



# بودن یا نبودن

| کتاب مسابقه | ویژه هفته وقف |

بودن یا نبودن | کتاب مسابقه | ویژه هفته وقف |

تا به حال به این فکر کرده‌اید که بعد از اینکه نیستید باشید؟! یعنی بعد از اینکه قرار شد از دنیا بروید در واقع نرفته باشید! می‌دانم تصورش کمی سخت است و پیچیده! ولی قصه این کتاب، قصه بودن یا نبودن است. یا به قولی قصه بودن بعد از نبودن!

## جوایز

کمک هزینه حج عمره  
کمک هزینه سفر به عتبات عالیات  
کمک هزینه سفر به مشهد مقدس  
قلم هوشمند قرآنی  
و دهها جوایز ارزشمند دیگر...



سازمان اوقاف و امور خیریه  
معاونت فرهنگ و اجتماع

سنة الحجاج



بودن یا نبودن

اهدایا

| کتاب مسابقه | ویژه هفته وقف |

# بودن یا نبودن

تهیه و تنظیم و ناشر: مجتمع فرهنگی پژوهشی  
معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه  
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف  
نوبت چاپ: پاییز ۱۳۹۴  
شمارگان: ۲۰۰۰۰  
قیمت: ۵۰۰۰ تومان  
قطع: خشتی

| غیرقابل فروش |



سازمان اوقاف و امور خیریه  
معاونت فرهنگی و اجتماع

سایت سازمان: [WWW.AWQAF.IR](http://WWW.AWQAF.IR)

سایت معاونت: [WWW.MFSO.IR](http://WWW.MFSO.IR)

سایت مجتمع: [WWW.MFPO.IR](http://WWW.MFPO.IR)

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه  
آدرس مجتمع: قم، بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزاده شاه سیدعلی، مجتمع فرهنگی آموزشی  
تلفن: ۰۲۵-۳۸۱۸۷۱۶۹  
فکس: ۰۲۵-۳۸۱۸۷۱۵۶

به انضمام احکام وقف و مسابقه

پیشینه ۹

زندگی در بهشت ۲۱

خشت اول ۳۵

رنگ‌ها و عطرها ۴۵

راه فرار ۶۹



## مقدمه

زندگی امروز، خیلی هیاهو و شلوغی دارد. این قدر که گاهی حساب روز و ماه و سال از دست مان می‌رود و همین‌طور با سرعت روزها را شب می‌کنیم و شب‌ها را روز. این هیاهوها و شلوغی نمی‌گذارند که در انتخاب‌های مان دقت کنیم. گاهی لازم است ساکت و آرام، گوشه‌ای بنشینیم و فقط فکر کنیم. فکر کنیم به اوضاع زندگی مان. به کسب و کارمان. به راهی که برای زندگی مان انتخاب کرده‌ایم. به خواسته‌های مان و به این‌که چطور می‌توانیم به آن‌ها برسیم. به آینده. گاهی لازم است به کلماتی که به گوش مان می‌خورد و فکرمان را مشغول می‌کند، فکر کنیم. گاهی همین فکر کردن‌های ساده، ما را به چیزهای جالبی می‌رساند. خیلی جالب. گاهی فکر کردن راجع به یک کلمه، باعث تغییر رفتاری می‌شود که یک عمر به آن عادت کردیم و گاهی انگیزه‌ای می‌شود برای انجام کاری که تا الان انجامش نداده‌ایم. مثلاً کلمه «برکت». تا الان به این کلمه فکر کرده‌ای؟ اصلاً برکت یعنی چه؟ برکت داشتن زندگی، مهم است یا نه؟ چرا زندگی بعضی‌ها این قدر برکت دارد؟ چه باید بکنیم که زندگی ما هم با برکت بشود؟ افراد زیادی هستند که خیلی پول دارند ولی پول‌شان برکت ندارد. مثل مدیر فروشگاه سر خیابان با آن فروشگاه بزرگ و محصولات زیادش که



همیشه می‌نالید از نداری و فقر. برعکسش بقالی محله‌تان. که با آن مغازه کوچکش خرج خودش و خانواده پرجمعیتش را درمی‌آورد و همیشه هم در کارهای خیر، سهمی دارد. همین طور است برکت زندگی و عمر. بعضی‌ها عمرشان خیلی زیاد است. مثلاً نود سال دارند، اما نود سال‌شان برکت نداشته است. در این مدت هیچ کار خاصی نکرده‌اند و فقط خورده‌اند و خوابیده‌اند. مثل خیلی جانداران دیگر. اما هستند کسانی که عمرشان کوتاه بوده و در آن عمر کوتاه خدمت‌هایی کرده‌اند فراموش نشدنی. مثل تفاوت درختانی که بزرگند و تنومند ولی هیچ میوه و محصولی ندارند با درختانی که کوچکند و خیلی ضعیف ولی هر سال میوه و محصول فراوانی می‌دهند.

برکت یعنی به درد خوردن. یعنی به کار آمدن. و خیلی هم مهم است که انسان برکت داشته باشد. هم خودش و هم مالش. حالا هر قدر کم و کوتاه هم باشد این مال و عمر. برای این‌که این برکت بیاید و در زندگی ما هم جاری شود، باید از خودخواهی خداحافظی کنیم و به بخشش سلام کنیم. باید از مال و عمرمان سرمایه کنیم تا به درد دیگران بخوریم. گاهی از کارشان باز و یا برای پیشرفت‌شان کاری کنیم. آن وقت است که آن قدر برکت پیدا می‌کنیم که عمرمان و مال‌مان جاودانه می‌شود. وقف، یک راه ساده است برای با برکت شدن زندگی‌هایمان. برای این‌که از چاه بودن تبدیل بشویم به چشمه‌ای همیشه جاری.

پیشینه



## وقف در گذر تاریخ

وقف مال امروز و دیروز نیست. از همان زمان که پیامبر مهربان، دین اسلام را آورد که دین برابری است و برادری و عدالت، مسأله وقف با شرایط و احکام ویژه‌اش بیان شد. البته قبل از اسلام در کشورهای مختلف و ملت‌های غیر مسلمان هم کاری شبیه وقف رایج بود. این که کسی مال یا زمینش را اختصاص می‌داد برای این که از منافعش برای کار خاصی استفاده شود.

نگاهی که به تاریخ داشته باشیم می‌بینیم عبادت‌گاه‌هایی مانند کنیسه‌ها و... وجود داشته‌اند که اموال و املاک فراوانی برای نگهداری و اداره آن‌ها در نظر گرفته شده بود. این اموال و املاک به قدری پراکنده و البته زیاد بودند که نمی‌توان تصور کرد مالک همه آن‌ها یک نفر بوده بلکه می‌توان به یقین گفت که عده‌ای نیکوکار بر این کار اقدام کرده بودند. منافع آن‌ها هم فقط صرف در امور معابد و کسانی که در آن‌ها عبادت می‌کردند، می‌شد.

گستره وقف به حدی است که حتی کشورهای اروپایی نیز مسأله وقف را در میان خود دارند، هر چند شکل و شمایلش با وقفی که می‌شناسیم کمی متفاوت است.

## وقف در میان ملل غیر مسلمان

### ■ وقف در میان رومیان ■

رومیان مؤسساتی داشتند با نام «مؤسسات کنیسه» و «مؤسسات خیریه». این مؤسسات مسئولیت رسیدگی به وضعیت افراد فقیر و ناتوان را برعهده داشتند و اموالی توسط مردم به این مؤسسه‌ها اختصاص می‌یافت تا به مصرف فقرا و ناتوانان برسد.

### ■ وقف در میان مصریان قدیم ■

مصریان قدیم املاکی را برای خدایان، معابد، مقابر و... اختصاص می‌دادند تا درآمد آنها به مصرف تعمیرات، نوسازی، اقامه مراسم و پرداخت هزینه کاهنان و خادمان برسد و این کار را به قصد تقرب به خدایان شان انجام می‌دادند. هم اکنون در موزه مصر الواحی موجود است که این مطالب را تایید می‌کند.

### ■ وقف در میان عراقی‌های قدیم ■

عراقی‌های قدیم در تمدن بابل هم با کاری شبیه وقف آشنا بودند. پادشاهان عراق،

بعضی از املاک شان را در اختیار بعضی از رعایای ضعیف و نیازمندان می گذاشتند تا بدون آن که مالک زمین شوند، از درآمد آن استفاده کنند.

### ■ وقف در میان ایرانیان قدیم ■

اقوام آریایی به ویژه ایرانیان به پیروی از آیین شان دارای موقوفات و نذورات زیادی برای نگهداری معابد و آتشکده های خود بودند که هنوز هم در بعضی شهرهای ایران مثل یزد و کرمان، نمونه هایی از این موقوفات، باقی و دایر است.

### ■ وقف در میان آلمانی ها ■

در حقوق آلمان پذیرفته شده که مجموعه ای از اموال به دلیل اختصاص یافتن به هدفی معین، ممکن است مستقل شود و زندگی حقوقی ویژه خود را آغاز کند. البته ایجاد این گونه بنیادها، وابسته به اجازه مقام های اداری است.

### ■ وقف در کشور سوئیس ■

در حقوق این کشور، وقف همانند حقوق آلمان است با این تفاوت که ایجاد بنیاد، وابسته به اجازه دولت نیست و دولت تنها بر اداره اوقاف نظارت دارد.

### ■ وقف در کشور فرانسه ■

در قانون فرانسه به وقف «خیری» تصریح شده است. یعنی اختصاص دادن مالی معین برای همیشه به عمل خیر، چه آن عمل خیر، عام باشد یا خاص برای اهدافی چون: برگزاری مراسم دعا برای آرامش روح متوفی و یا تهیهٔ صندوقی برای معابد و یا کارهای خیر عمومی، مثل احداث بیمارستان، مدرسه و...

### ■ وقف در حقوق قدیم انگلستان و آمریکا ■

در نظام انگلوساکسون نهادی حقوقی وجود دارد به نام «تراست». کارکردش چیزی شبیه وقف است، گذاشتن مالی در اختیار شخص معینی تا آن را به مصرف شخص دیگری برساند. در «تراست» شخص صاحب اختیار را امین یا وصی و شخص دوم را مستفید یا مستحق می‌نامند. هدف از نهاد حقوقی «تراست» حمایت از بیوه‌زنان و کودکان و انجام کارهای عام‌المنفعه بوده است. و لزومی ندارد که طرف مستفید همیشه شخص خاصی باشد. بلکه گاهی مستفید مواردی مانند اولاد مؤسس، فقرا، دانشجویان دانشکده‌ای مشخص، احیای مسائل دینی و انفاق به یتیمان مشخص می‌گردیده است.

## وقف در اسلام

### ■ موقوفات پیامبر ﷺ ■

بعد از اسلام و در میان مسلمانان وقف با شرایط ویژه‌ای تعریف شد و اولین واقف هم شخص پیامبر مهربان ﷺ بوده‌اند. اولین وقف هم «حوائط سبعة» نام داشت که باغ‌های هفت‌گانه‌ای بود که توسط یکی از اخبار و دانشمندان یهود بنی‌النضیر به نام مخیریق به پیامبر داده شد و پیامبر ﷺ نیز تمامی آن هفت باغ را وقف کرد. موقوفات پیامبر ﷺ محدود به آن هفت باغ نبود بلکه ایشان در طول عمر بابرکت‌شان، وقف‌های زیادی انجام دادند از جمله زمینی از اموال بنی‌نضیر که از طرف خداوند به عنوان اولین «فیء» در اختیار رسول خدا ﷺ قرار گرفت. همچنین پس از فتح خیبر از هشت قلعهٔ خیبر که به عنوان «فیء» در اختیار حضرت قرار گرفت، ایشان سه قلعه را وقف نمود و پنج قلعهٔ باقی‌مانده را میان مجاهدان تقسیم کرد. ثلث زمین‌های وادی القری که از زمین‌های یهود بود نیز در اختیار رسول خدا ﷺ قرار گرفت و ایشان آن‌جا را هم وقف نمودند همچنین زمینی در بازار مدینه نیز توسط پیامبر وقف شد.



### ■ موقوفات امیرالمومنین علیه السلام ■

امیرالمومنین علیه السلام نیز در طول عمر بابرکت شان موقوفات بسیاری زیادی داشتند که بیشتر آن‌ها نیز حاصل دست رنج و زحمات ایشان بود. مانند باغ‌ها و چشمه‌هایی که توسط حضرت ایجاد شد و ایشان در اولین فرصت ممکن، آن‌ها را وقف نمود. ایشان خانه‌شان در محله بنی‌زریق مدینه را وقف نمود. همچنین هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله زمین‌های فیه را تقسیم فرمودند، قطعه زمینی هم به حضرت رسید و ایشان در آن چشمه‌ای حفر کردند و سپس زمین و چشمه را وقف نمودند. ایشان سهم‌شان از زمین‌های وادی القری را نیز وقف کردند. همچنین زمین‌ها و چشمه‌های زیاد دیگری که شرح مفصل آن در کتاب‌های تاریخی آمده است.

### ■ موقوفات حضرت زهرا علیها السلام ■

حضرت زهرا علیها السلام باغ‌های هفت‌گانه‌ای که پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان هدیه داده بود وقف نمود. در ارزش آن باغ‌ها همین بس که بعضی از آن‌ها سالانه بین ۲۴۰۰۰ تا ۷۰۰۰۰ درهم درآمد داشتند که برای موقوف علیهم صرف می‌گردید.

### ■ موقوفات امام صادق و امام کاظم علیهما السلام

در تاریخ آمده است که امام صادق علیه السلام مال معینی را در نظر گرفته بودند تا آن در هفت موسم حج بر آن حضرت عزاداری شود. امام کاظم علیه السلام نیز موقوفاتی داشتند که شامل زمین و ملک و درختان بوده است.

### ■ موقوفات اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله

به تبعیت از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، اصحاب ایشان هم اقدام به انجام وقف نمودند به گونه‌ای که از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله کسی نبود که توانایی مالی داشته باشد، ولی وقفی انجام نداده باشد. هم‌چنین با مراجعه به کتب تاریخی مواردی را مشاهده می‌کنیم که برخی اصحاب خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسیدند و از ایشان می‌خواستند تا برای انجام کاری خیر، راهنمایی‌شان کند و پیامبر صلی الله علیه و آله هم تمامی آنان را سفارش به وقف می‌نمود. در تاریخ نام اصحاب و موقوفاتی که هر کدام داشتند، ثبت شده است.

## وقف در ایران

همان‌طور که اشاره شد، سابقه وقف در ایران به قبل از اسلام برمی‌گردد، و وقف اموال و املاک برای آتشگاه‌ها و معابد رواج داشته است. سلوکیان و اشکانیان نیز این روش را پذیرفته و ادامه داده بودند. پس از ورود اسلام به ایران نیز بحث وقف جایگاه بهتری پیدا کرد به گونه‌ای که در دوره سلجوقیان اوقاف گسترش نسبتاً زیادی یافت در حدی که نظارت ویژه‌ای از طرف حکومت مرکزی بر اوقاف اعمال شد. در این دوران مخصوصاً زمانی که خواجه نظام‌الملک وزارت را به عهده داشت موقوفات زیادی برای احداث، نگهداری و اداره نظامیه‌ها ایجاد شد. در دوره مغولان به ویژه در اوایل تسلطشان بسیاری از املاک موقوفه به نفع دولت صادره شد. ولی پس از مسلمان شدنشان خود مشوق اوقاف شدند، به ویژه در دوران غازان خان که موقوفات زیادی برای امور خیریه ایجاد شد. اهمیت و وسعت موقوفات در دوران رشیدالدین فضل‌الله موجب شد تا تشکیلات منظمی برای اداره موقوفات، تحت نظارت قاضی القضاة به وجود بیاید. اما بیش‌ترین توسعه اوقاف مربوط به دوران صفویه است. در این دوران شاهان صفوی به ویژه شاه عباس اول همه اموال، زمین‌ها و املاکش را وقف کرد. به دنبال پادشاه بسیاری از حاکمان مناطق هم‌املاک فراوانی را در سرتاسر مملکت به صورت وقف درآوردند. در

این دوران بسیاری از املاک، وقف مقاصد خیریه مخصوصاً وقف بقاع متبرکه شد. که بالاترین سهم موقوفات را آستان مقدس امام رضا علیه السلام در مشهد و سپس آستانه مقدسه حضرت معصومه علیها السلام در قم داشت. شاید بتوان گفت زمان شاه عباس اول اوج دوران رشد و توسعه وقف بود. همچنین به دلیل توسعه فراوان اوقاف در زمان صفویه تشکیلات نسبتاً وسیعی برای اداره موقوفات ایجاد شد. اما در دوره نادرشاه، برخلاف دوره‌های گذشته، اوقاف محدود شدند به گونه‌ای که در سال‌های آخر سلطنت نادرشاه، طی فرمانی همه اوقاف به صورت املاک خالص درآمدند و تحت عنوان «رقبات نادری» در دفاتر مخصوصی ثبت شدند. در آن دوران برخی از متولیان موقوفات نیز از فرصت استفاده کردند و به دلیل فرصت طلبی و یا بعضاً عدم موافقت با فرمان دولت، موقوفه بودن املاک تحت تولیت شان را انکار کردند و یا به نام خود ثبت نمودند. از زمان نادر شاه حرمت و قداست اوقاف و قبح موقوفه خواری از بین رفت و از آن تاریخ به بعد هیچ‌گاه اوقاف به عظمت و شکوه قبلی نرسید. زمان پهلوی و قاجار نیز دوران تاراج موقوفات بود و تا پیش از پیروزی انقلاب، موقوفات زیادی در سراسر کشور از بین رفت و یا توسط اشخاصی تملک و از حالت وقف خارج شد. تا بالاخره ۵ سال پس از انقلاب، در دی‌ماه ۱۳۶۳ تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه مورد تجدید نظر قرار گرفت و به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و براساس آن سازمان از نخست‌وزیری منتزع و با عنوان سازمان حج و اوقاف و امور خیریه به فعالیت خود ادامه داد. در سال

۱۳۷۰ کلیه امور مربوط به اوقاف و امور خیریه از سازمان حج و اوقاف منفک و به سازمان اوقاف و امور خیریه واگذار شد. چشم‌انداز سازمان اوقاف و امور خیریه این است که در بخش‌های متنوعی که به نوعی به امور اوقاف مرتبط می‌شوند وارد عمل شود و اقدام متناسب و شایسته‌ای انجام دهد. مهم‌ترین اهداف سازمان عبارتند از:

اجرای کردن رهنمودهای خاص مقام معظم رهبری علیه‌السلام، ایجاد سامانه توانمند و اثربخش در شناسایی، احیاء و اداره موقوفات، ترویج فرهنگ وقف، و هدایت واقفین به خلأها و کاستی‌ها و همچنین متناسب‌سازی کارکرد وقف با نیازمندی‌های جامعه، گسترش ظرفیت‌ها و کارکردهای فرهنگی، علمی و اجتماعی بقاع متبرکه و تبدیل این اماکن مقدسه به قطب فرهنگی، تشویق به مشارکت‌های مردمی در امور خیریه، بقاع متبرکه، مساجد و سایر اماکن مذهبی، هدایت و نظارت بر موقوفات، و مؤسسات و بنیادهای خیریه کشور، ایجاد بانک جامع و گنجینه غنی اسناد و مدارک موقوفات، بقاع متبرکه، مساجد و سایر اماکن مذهبی و زمینه‌سازی بهره‌گیری مطالعاتی پژوهشی از آن‌ها و اثرگذاری در تحقق جامعه عدالت محور، به عنوان حامی محرومان و نیازمندان جامعه، نظارت راهبردی مسابقات سراسری قرآن کریم، تعمیم آموزش قرآن کریم بین اقشار جامعه نظیر اجرای طرح تربیت حافظان و قاریان قرآن کریم و سیاست‌گذاری در جهت اعطای مدارک علمی به حافظان قرآن کریم.



زندگے در بهشت



## فواید وقف

انجام دادن کارهای خوب دلیل نمی‌خواهد؛ همین‌که خوب است، بهترین دلیل است ولی انگیزه چرا. تاریخچه وقف را خواندی ولی شاید این‌که فهمیدی پیامبر ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام اهل وقف کردن بودند و بقیه را هم به انجامش دعوت می‌کردند، برای ایجاد انگیزه کافی نباشد. اگر فواید وقف را هم بخوانی شاید انگیزه کافی پیدا کنی که قدم جای قدم‌های شان بگذاری و تو هم واقف شوی.

وقتی بخوانی و مطلع شوی که وقف علاوه بر فوایدی که برای خود واقف دارد، چه فواید مهم و تاثیرگذاری در انواع عرصه‌های فرهنگی اجتماعی دارد. از امور مذهبی گرفته تا امور بهداشتی و روانی و تا امور اقتصادی و رفاهی و حتی علمی؛ شاید علاقه مند شوی به این‌که تو هم عضوی از این گروه بزرگ و ارزشمند شوی. گروهی که می‌خواهند از لحظات زندگی شان در این دنیا، بهترین استفاده‌ها را ببرند و یقیناً در روز قیامت، بسیار کمتر از دیگران حسرت خواهند خورد.



## فواید فردی

### ■ پیش نهاد ویژه ■

اگر به دختر بچه دو سه ساله‌ای که مشغول بازی با عروسکش است پیشنهاد دادن یک میلیون تومان در مقابل گرفتن عروسکش را بدهی، بدون شک قبول نخواهد کرد. حتی اگر مبلغ را بالاتر هم ببری باز فایده‌ای ندارد. دلیلش هم مشخص است. ارزش عروسکش را می‌داند ولی ارزش پول را نه. برای همین است که پیشنهاد ویژه تو، ذره‌ای مرددش نمی‌کند برای معامله سر عروسکش. البته کسی هم این دختر بچه را سرزنش نمی‌کند که چرا معامله را قبول نکردی. قصه دختر بچه پنج شش ساله‌ای که کمی با ارزش پول آشناست، کمی فرق می‌کند. شک دارد که انجام این معامله درست است یا نه. تقریباً می‌داند که با پولی که تو پیشنهاد دادی، می‌تواند ده تا عروسک بزرگ‌تر و قشنگ‌تر بخرد، اما خیلی مطمئن نیست. بستگی دارد که چقدر به عروسکش وابسته و چقدر به ارزش پول یقین داشته باشد. این دختر بچه هم سرزنش نمی‌شود. چرا که کار درستی انجام داده. نقد را چسبیده و نسیه‌ای که تکلیفش خیلی معلوم نیست را رها کرده. اما قصه آدم بزرگ‌ها فرق می‌کند. اگر

چنین پیشنهادی به او بدهند و قبول نکنند، بدون شک سرزنش می‌شود. سرزنش می‌شود که برای نگه داشتن و لذت بردن از یک شیء بی‌ارزش، خودش را از آن همه پول محروم کرده. حالا حکایت ما و مسأله وقف هم همین است. دارایی ما همین مال و اموالی است که البته خدای مهربان به ما داده و پیشنهاد دهنده هم خود اوست. پیشنهاد داده است در مقابل هر مقدار از مال و اموالی که در راه او به دیگران بدهیم، هفتاد برابر پاداش بدهد. تازه این پاداش جدای از تاثیرات مثبتی است که روی ما و خانواده ما و تعامل دیگران با ما دارد. ولی باز بسیاری از ما حاضر به انجام این معامله نمی‌شویم. از نظر قد و قواره بزرگیم ولی مثل بچه‌ای که به هیچ قیمتی حاضر نیست عروسکش را از دست بدهد، رفتار می‌کنیم. خود خداوند فرموده است که این دنیا، بازی چهای بیش نیست اما عده‌ای از ما این بازی را جدی گرفته‌ایم و به پیش‌نهادهای پرسود و منفعت الهی «نه» می‌گوییم. البته جدای از وابستگی به دنیا و جدی گرفتنش، دلیل دیگری هم وجود دارد و آن این است که ارزش رضایت خدا را نمی‌دانیم. شاید اگر می‌دانستیم چیزی بالاتر از رضایت الهی وجود ندارد، حاضر می‌شدیم برای دست یافتن به آن، دست به هر کاری بزنیم.

## فواید خانوادگی

همه ما خانواده داریم و دوست داریم که هرکاری که می‌توانیم برای خانواده‌مان انجام دهیم. خصوصا اگر دغدغه اخلاق، مذهب و دین داشته باشیم قطعاً به فکر تربیت صحیح خانواده‌مان هستیم و سعی خواهیم کرد در این مسیر هر کوششی که لازم است را انجام دهیم. بیایید تصور کنیم خانواده‌ای را که واقف هستند. آن‌ها چه لحظاتی دارند؟ مهم نیست وقفشان بزرگ باشد یا کوچک. همین که اسمشان در دفتر خداوند به اسم واقف ثبت شده باشد کافی است. اعضاء آن خانواده چه احساسی خواهند داشت؟ اینکه گاهی از فواید وقفی که کرده‌اند به آن‌ها خبر برسد چقدر آن‌ها را خوشحال و سرزنده خواهد کرد؟ اینکه بدانند این عملی که انجام داده‌اند چقدر مشکلات را برطرف کرده است، بر روحیه آن‌ها چه تأثیری خواهد گذاشت؟

شکی نیست که وقف روی خانواده و تربیت آن اثر می‌گذارد. سایر اعضاء خانواده و فامیل از این کار تأثیر می‌گیرند و سعی خواهند کرد هم این سنت خوب را ادامه دهند و هم اینکه حواسشان باشد حالا که اسمشان جزو واقفان ثبت شده بیشتر نگاهشان به اعمال، رفتار و کارهایشان باشد.

## اکسیر جاودانگی

اگر وقف نکنیم، چه کنیم؟ مرگ حق است و حق هم گاهی تلخ. ولی حق را باید گفت. بالاخره روزی می‌رسد که دیگر نیستیم. روزی که زیر تابوت مان را می‌گیرند و به عزت و شرف لا اله الا الله راهی آرامگاه و خانه ابدی مان می‌شویم. همه دوست داریم زندگی و دارایی مان ابدی شود برای اولی راهی وجود ندارد ولی برای دومی چرا. می‌دانیم که بعد از مرگ مان اولین چیزی که از بین می‌رود، دارایی‌های مان است. حتی قبل از این که بدن‌های مان خوراک حیوانات زمین شوند. حالا چه ثروت مندترین انسان زمین باشیم و چه فقیرترین. اما راهی هست که ابدی شویم. اکسیر جاودانگی بزنییم به مال و اموال مان و کاری کنیم که تا دنیا دنیااست، دارایی مان باقی بماند. آن هم نه یک باقی ماندن بی‌ثمر. تنها راه برای بودن، پس از نبودن، وقف است و چه کسی است که دوست نداشته باشد پرونده اعمالش تا قیامت باز بماند و هر روز فقط در آن خوبی ثبت شود؟ اتفاقی که در طول زندگی مان هم به سختی ممکن بود. بالاخره گاهی گناهی در پرونده مان ثبت می‌شد و گاهی ثوابی. ولی اگر واقف شدیم، از موقوفه مان فقط ثوابش به ما می‌رسد. و چه چیز در سفر آخرت، ارزش مندتر از ثواب؟

## فواید اجتماعی

قبل از آن که مطالب این بخش را مطالعه بفرمایید باید یک نکته را متوجه باشید. این که شاید تمامی مواردی که از این پس خواهید خواند، ارتباط مستقیمی به شخص شما پیدا نکند. مثلاً ارتقای فرهنگ و یا بهداشت و رفاه جامعه. اما باید بدانیم که قرار نیست دروقف، خودمان و منافع خودمان را ببینیم. هدف از وقف باز کردن گره‌ها و رفع مشکلات و یا تلاش برای بهبود زندگی دیگران است و تمامی مواردی که در ادامه می‌خوانید، از این قبیل‌اند. گرچه نمی‌توانیم منکر تأثیرات جامعه روی خودمان و خانواده‌های مان بشویم. اگر جامعه‌ای پراز کمبود و آسیب باشد، آن معدود افرادی که رفاه دارند هم از آسیب‌ها محفوظ نمی‌مانند. ضمناً لطفاً در دل‌تان نگویید که هر کدام از این امور، نهادهای عریض و طویلی دارند که مسئولیت تمامی کارهایش با آن‌هاست. چرا که وجود نهاد، باعث رفع مسئولیت‌شمایی که توان انجام کاری را داری، نمی‌شود. و البته اگر واقعاً نهادِ مربوطه توانسته باشد تمامی مشکلات را رفع کند، باز ورودِ شما، باعث بهبود کیفیت کارشان می‌شود ولی همین‌که در بعضی از این امور کماکان مشکلات زیادی باقی‌است نشان‌دهندهٔ نیاز به همکاری سایر افراد جامعه است. یعنی من و شما. مطالب این بخش را بخوانید و ببینید آیا مشکلی در

جامعه باقی می ماند که نشود با وقف راهی برایش پیدا کرد؟

### ■ امور فرهنگی ■

جامعه ای که فرهنگ داشته باشد، هیچ وقت در مشکلات گیر نمی کند. این سخن از شخص خاصی نیست. تجربه این را ثابت کرده. وقتی تفاوت کشورها و ملت های مختلف را می بینیم و ریز می شویم در دلیل تفاوت سرنوشت های شان، از مهم ترین دلایلی که به آن می رسیم، بالابودن و یا پایین بودن سطح فرهنگ عمومی افراد آن جامعه است.

امور فرهنگی از آن قبیل فعالیت هایی است که عده ای ارزشمندترین دارایی شان یعنی وقت شان را وقف انجامش کرده اند. چه خوب است مایی که شاید وقتی نداریم تا وقف این کار کنیم، با وقف هر آن چه از دست مان برمی آید و در ارتقای فرهنگ عمومی جامعه موثر است، خود را شریک کنیم.

### ■ امور بهداشتی ■

جامعه مریض، توانایی انجام هیچ کار مفیدی را ندارد. چنین جامعه ای علاوه بر مفید نبودن، مضر هم هست. زیرا باید دنبال تامین هزینه هایی باشد برای درمان. خیلی از

بیماری‌هایی که در حال حاضر در جامعه وجود دارد، نتیجه ضعف مسائل بهداشتی است. پیش‌گیری بهتر از درمان است. هزینه‌اش هم به مراتب پایین‌تر است. پس اگر عده‌ای همت کنند برای وقف جهت مسائل بهداشتی، در حقیقت کمک کرده‌اند به پیشرفت کشور. چرا که افراد سالم می‌توانند کشور را پیشرفت بدهند.

### ■ امور روانی ■

از مهم‌ترین تفاوت‌های جامعه امروز با زمان‌های گذشته رشد روز افزون مشکلات روحی و روانی است. مسائلی مثل افسردگی و خشونت طلبی و انزوا و... که بیشترش هم محصول فناوری‌های روز دنیاست که با مسائل ارتباط جمعی در ارتباط است. ماهواره و تلفن همراه و رایانه و محیط بزرگ و بی سرو تهی به نام اینترنت! یا خودشان مشکل ایجاد می‌کنند و یا مطالبی که بدون هیچ فکر و نظارتی در آن محیط‌ها منتشر می‌شود. که این مطالب باعث تغییر نگرش افراد، خصوصاً نوجوان‌ها و جوان‌ها شده و منجر به ایجاد نارضایتی از سطح زندگی‌شان می‌شود و به مشکل می‌انجامد. وقف‌های هدف‌مند می‌توانند کمک شایانی به رفع مشکلات روانی کنند.

### ■ امور علمی ■

تاریخچه وقف را که نگاه دقیق‌تری ببندازیم، می‌بینیم دوره شکوفایی وقف، با تدبیر

نظام الملک، تبدیل شد به دوره شکوفایی علم و تاسیس دانشگاه‌های بزرگ بغداد و نیشابور. زیرا هزینه‌های تاسیس و تجهیز محیط‌های آموزشی به قدری بالاست که شاید اگر اوقاف به این سمت هدایت نشوند، دولت نتواند به قدر کافی برای آن هزینه کند. ضمناً باید توجه داشت که پیشرفت علمی، زیر بنای پیشرفت اقتصادی و استقلال سیاسی کشور است و جامعه بی سواد همیشه باید دست‌گدایی به سمت دیگران دراز کند. مانند زمان شاه که حتی برای ساده‌ترین بیماری‌ها، گدای پزشکان خارجی بودیم. وقف برای مسائل علمی خیلی ارزشمند است. مراکز علمی بزرگی مثل دانشگاه هاروارد در آمریکا، دانشگاه آکسفورد در لندن، نظامیه بغداد و نیشابور، مجتمع ربع رشیدی در تبریز و الأزهر مصر، همه نمونه‌هایی هستند از مراکزی که عده‌ای هزینه‌هایش را تقبل کرده‌اند تا در آن‌ها فعالیت‌های علمی صورت بگیرد. چیزی شبیه همان وقف خودمان.

### ■ امور فاهی ■

درباره مضرات اختلاف طبقاتی سطح ثروت در جامعه، هر قدر بخوانیم و بشنویم کم است. همین اختلاف طبقاتی است که اگر جامعه‌ای بی‌مشکل باشد، به سرعت در آن ایجاد مشکل می‌کند و اگر مشکلاتی داشته باشد، بسیار شدیدترشان می‌کند. چنین



جامعه‌ای ابتدا اعتقاد و فرهنگ مذهبی و سپس امنیت خود را از دست می‌دهد. چرا که افراد طبقات پایین با مشاهده وضع زندگی طبقات بالا و مقایسه آن‌ها با مشکلات بسیار خود، تصمیم به ضرر زدن به آن‌ها را می‌گیرند و از آن‌جا که مسائل دینی و اعتقادی‌شان هم ضعیف شده و مانع‌شان نمی‌شود، آسیب‌های خطرناکی ایجاد خواهند کرد. و البته واقعا سخت است که ببینند مجبورند برای عمل کردن فرزندشان، کلیه‌شان را بفروشند به قیمتی که برای بالایی‌ها معادل هزینه یک مهمانی بسیار ساده است. ضمناً اگر قرار نباشد ثروت‌اندوزی افراد این جامعه تغییری کند، شرایط به گونه‌ای می‌شود که فقیرها روز به روز فقیرتر می‌شوند و ثروت‌مندان روز به روز ثروت‌مندتر. طغیان ثروت‌مندان از طرفی و وضع فلاکت‌بار فقیران در نقطه مقابل، یک جامعه بسیار نامتوازن و ناامن ایجاد می‌کند. از آثار عمده وقف که به طور خودکار اتفاق می‌افتد، محدود کردن ثروت‌اندوزی است. با وقف، ثروت بین افراد جامعه تقسیم می‌شود و از آسیب‌های بعدی پیشگیری می‌شود. جامعه با وقف، جامعه‌ای آرام و امن می‌شود و حتی می‌شود با هدایت وقف به مکان‌هایی که از نظر اعتقادی و فرهنگی مشکل دارند، راه نفوذ این‌گونه مسائل را هم باز کرد. مانند اردوهای جهادی که با هدف عمران و آبادی و افزایش رفاه، وارد روستاها می‌شود ولی در کنار آن، باعث بالا رفتن سطح فرهنگ و اعتقاد اهالی آن روستاها نیز می‌گردد.

### ■ امور مذهبی ■

بسیاری از قیام‌هایی که در طول تاریخ منجر به ایجاد عدالت اجتماعی و رفع مشکلات شد، با انگیزه‌های دینی صورت گرفت. از قیام امام حسین علیه السلام گرفته تا انقلاب اسلامی ایران. نقش اصلی انقلاب را مردم مذهبی ایران ایفا کردند. اگر پایه‌های مذهبی جامعه‌ای سست بشود، دیگر نمی‌توان از ناهنجاری‌ها و فساد، تعجب کرد. کشورهای غربی پس از سال‌ها تحقیق در مورد علل مشکلات‌شان به این نتیجه رسیدند که نداشتن ایمان و اعتقاد، کارشان را به جایی که هستند رسانده. برای معرفی دین و در ادامه تبلیغ و پیاده‌سازی دستورات و خواسته‌های دینی و ایجاد جامعه‌ای متدین، وقف یکی از نقش‌های اصلی را داراست. جامعه خوب جامعه‌ای است که در آن رشد ارزش‌های معنوی، بیشتر از رشد مادی باشد و زمانی این اتفاق خواهد افتاد که امور مادی در خدمت ارزش‌های معنوی باشد. وقف نمونه‌ای از هزینه کردن امور مادی برای پیشرفت و رشد معنوی است.

### ■ امور اقتصادی ■

نقش وقف در استقلال و رشد و توسعه اقتصادی یک جامعه بر کسی پوشیده نیست. البته این سخن هرگز به این معنا نیست که وقف می‌تواند به تنهایی عهده‌دار همه

ابعاد و زوایای گوناگون اقتصاد يك جامعه شود، بلکه منظور این است که این مساله می‌تواند به عنوان يك سرمایه عظیم مالی، نقش بسیار بسیار مهمی در این‌گونه امور ایفا کند. ایجاد اشتغال، پایدارسازی مشاغل، توسعه اقتصادی، رشد توان اقتصادی و بسیاری دیگر از این قبیل امور، می‌توانند با وقف‌های مرتبط با مسائل اقتصادی به دست بیایند.

### ■ امور عمرانی ■

کشور وسیع و پهناور ایران شهرها و روستاهای زیادی دارد. بخشی از این روستاها به دلیل کمبود امکاناتی که دارند، به نام مناطق محروم شناخته می‌شوند. و دلیلش هم محرومیت آن مناطق است از امکاناتی مانند جاده، برق و آب و گاز، مدرسه و بیمارستان و پارک و بسیاری از امکاناتی که ما شهری‌ها حتی نمیتوانیم تصور نبودشان را بکنیم. بسیاری از این کمبودهای عمرانی را می‌توانیم با وقف‌های مرتبط، برطرف کنیم.

خشت اول





# معرفی و آموزش

## ■ گفت‌وگو کنیم! ■

گاهی وقت‌ها آدم‌ها نیاز دارند به یک اشاره. نیاز دارند به یک هُل دادن کوچک. نیاز به آموزش و نصیحت دوستانه. صحبت‌ها و گفت‌وگوهای دوستانه خیلی اثر می‌گذارد. خصوصا اگر در خانواده باشد. اثری که جاودانگی‌اش را می‌توانید در نصیحت‌های لقمان به فرزندش پیدا کنید. یکی از چیزهایی که کمبودش در میان دوستان و خانواده‌های این دوره و زمانه احساس می‌شود، نصیحت کردن‌های مشفقانه و از روی مهر و عطوفت است. که بنشینیم در کنار هم و راه‌های خیر و سعادت را برای یکدیگر بگوییم. همان‌طور که اگر دوست‌مان مشکل مالی داشته باشد و بدانیم که جایی وام می‌دهند، حتما او را با خبر می‌کنیم و آن‌جا را به او معرفی. یا اگر فامیلی بیماری‌ای داشته باشد و دکتر خوبی بشناسیم، حتما آن دکتر و مطبش را به او معرفی خواهیم کرد. این کم‌ترین کاری است که از دست ما برمی‌آید.

راه‌های خیر و سعادت هم همین است. اگر راهی می‌شناسیم هم خودمان دست به کار شویم و هم دوستان و اطرافیان و خانواده و فامیل را دعوت کنیم. با

گفت‌وگو و حتی شده با نصیحت. چه ایرادی دارد در جمع‌های دوستانه و فامیلی، برای چند دقیقه مودم را خاموش کنیم و به جای این که یک‌سره خودمان را سرگرم این گوشی‌های لمسی و غیرلمسی کنیم، شروع کنیم به صحبت راجع به چنین موضوعاتی. راجع به این که دایرهٔ وقف خیلی گسترده است و هر کجا، هر چیزی را برای هر کسی می‌توان وقف کرد. چیزی هم که کم نیست مشکل است و کمبود. نگاه‌مان به هر طرف که باشد، می‌بینیم نواقصی را که می‌توانیم رفعش کنیم. خب در خصوص آن‌ها حرف بزنیم. یک یاعلی بگوییم و هرکسی یک گوشهٔ کار را دست بگیرد. از موارد کوچک و جزئی مثل یک آب‌سردکن و چند تا لیوان گرفته تا موارد بزرگ مثل مسجد و خانه و بیمارستان و... همهٔ این‌ها را با مشارکت و گفت‌وگو می‌شود حل کرد. یک دست صدا ندارد ولی دو دست که دارد. همان‌طور که معرفی فلان بانک و فلان دکتر به دیگران برای مان مهم است، برای معرفی این کار خیرمهم هم اهمیت بیشتری قائل بشویم. دیگران را با وقف و روش‌های سادهٔ انجامش آشنا کنیم.

### ■ عمل کنیم!

افرادی که نصیحت‌های‌شان همراه است با عمل، خیلی بهتر نتیجه می‌گیرند از کسانی که نشسته‌اند و فقط دیگران را دعوت می‌کنند به عمل. چرا که دیگران قبل از آن‌که به نصیحت‌های کسی عمل کنند به رفتارشان نگاه می‌کنند تا ببینند خودش هم برای حرف‌هایش ارزش قائل هست یا فقط برای دیگران نسخه می‌پیچد.

مساله دعوت به وقف هم همین است. اگر بنشینید و فقط از خوبی‌های وقف بگویید و اثرات فردی و اجتماعی‌اش و این‌که حتی با هزینه‌ای اندک، می‌شود بعضی مشکلات در دسر ساز را حل کرد، تاثیر چندانی نخواهید دید. اما وقتی دست به کار شوید و خودتان قبل از هرکس پیش قدم شوید برای عمل، آن وقت می‌توانید توقع داشته باشید که عده‌ای راهتان را ادامه دهند.

### ■ وقف و کودکان

کودکان ما امانت‌های الهی‌اند و ما موظفیم بر اساس دستورات دین‌مان با تمام وجود از این امانت‌های الهی مراقبت کنیم. یکی از نمودهای امانت‌داری خوب، تربیت خوب و خدایسندانه است. تربیتی که یک ضلعش نصیحت است و ضلع دیگرش، عمل. عمل و رفتار ما پراز اثرات تربیتی است برای کودکان ما. در تربیت خوب باید



حتما مساله کمک به دیگران را مد نظر قرار دهیم زیرا اگر فرزند ما از ابتدای کودکی یاد بگیرد که قرار نیست همیشه فقط به فکر خودش باشد و لازم است گاهی از خودگذشتگی کند و وسایلش را در اختیار دیگران بگذارد، در آینده هم انجام این کار برایش سخت نخواهد بود. و البته لازم است خودمان هم چنین کاری را برای او و در مقابل انجام دهیم.

یکی از نمونه‌های از خودگذشتگی، وقف است. کار نیکی که ماندگاری ابدی دارد و البته شاید ما کمتر انجام داده باشیم. باید وقف را به فرزندان مان معرفی کنیم و به آن‌ها بگوییم بسیاری از مسجدها، مدرسه‌ها، بیمارستان‌ها، کتابخانه‌ها، ورزشگاه‌ها و جاهای دیگری که ما می‌رویم وقف هستند. یعنی کسی آن‌ها را ساخته و به همه تقدیم کرده است. دست‌شان را بگیریم و دو سه تا از مساجد و مدرسه‌ها را نشان‌شان دهیم و بهشان بگوییم که آن آدم‌هایی که اینجا را ساخته‌اند در ثواب تمام آدم‌هایی که از اینجا استفاده می‌کنند، شریک هستند. به بیمارستان‌ها سری بزنیم و بگوییم که هر مریضی که از امکانات اینجا استفاده می‌کند، ثوابی به واقفش می‌رسد. بگوییم آدم‌هایی که وقف می‌کنند، هستند بدون این‌که باشند. بعد بگذاریم خودشان در ذهن‌شان تحلیل کنند که چطور چنین چیزی ممکن است. شما هم کمک‌شان کنید و بگویید همین‌که کسانی بعد از مرگ، هنوز ثواب به دست می‌آورند، این یعنی

هنوز هستند. مطمئن باشید عاشق وقف می‌شوند. چون می‌فهمند که این اکسیر جاودانگی است.

البته پیش از هر چیز باید خدا را بشناسند و بدانند که هرچه دارند برای خداست. باید با زبان خودشان از مهربانی خدا گفت و این که خدا همه چیز را برای او مهیا کرده است تا زندگی خوبی داشته باشد. کودک وقتی بداند که خدا دوستش دارد و هدایای فراوان و ارزشمندی مثل پدر و مادر مهربان، دوستان خوب، بدن سالم و بانشاط و خوراکی‌های لذیذ و... به او داده، ارتباط بهتری با او برقرار می‌کند و علاقه‌مند می‌شود تا بیشتر با خدا آشنا شود. بعد از آن کم‌کم باید به او بگویید که در مقابل هر کار خوبی باید تشکر کرد و تشکر از خدا هم انجام دادن کارهایی است که او دوست دارد. البته حتما این را اضافه کنید که خداوند آن قدر مهربان است و او را دوست دارد که وقتی از او تشکر کنی، او هدیه‌های بیشتری برایش در نظر می‌گیرد. وقتی زمینه عمل کردن به خواسته‌های خدا را در او ایجاد کردید، می‌توانید راجع به مسأله از خودگذشتگی و وقف برای او صحبت کنید. البته باز هم با زبان خودشان نه با کلمات قلبیه و سلمبه! سعی کنید گروه‌هایی از بچه‌ها را پیدا کنید که علاقه‌هایی مثل شما و فرزندان دارند. او می‌تواند در کارهای خیریه و نیکوکارانه با آن‌ها مشارکت کند. یا یک فعالیت داوطلبانه پیدا کنید که هم خودتان و هم فرزندان و حتی تمام خانواده‌تان بتوانند

در آن شرکت کنند و این کار را به یک سرگرمی تبدیل کنید تا کم‌کم عادت کنند به برای دیگران تلاش کردن. از کودکان بخواهید تا لباس‌ها یا اسباب‌بازی‌هایی را که دیگر به سنش نمی‌خورند را وقف کند برای بچه‌های دیگر. باید چند تا از کتاب‌های خودتان را بردارید و همراهش بروید و کتاب‌ها را وقف کتابخانه مسجد کنید. تاثیر عملی این کار از همه چیز بیشتر است. مطمئن باشید اگر بعد از این کار از او بخواهید که او هم کتاب‌هایی که لازم ندارد، وقف کتابخانه مسجد کند، حتما مشتاقانه این کار را خواهد کرد.

سعی کنید او را در وقف‌هایی که خودتان می‌خواهید انجام بدهید شریک کنید. برای مثال یک قرآن بخرید و به فرزندان بگویید تا اول آن با خط خودش بنویسد: «این قرآن را من و پدرم وقف مسجد محل کردیم تا ثواب قرائت آن برای همیشه به روح پدر بزرگم برسد». یا برای انجام بعضی کارهای مقدماتی انجام یک وقف بزرگ‌تر او را همراه کنید و از او بخواهید تا بخشی از کارها را انجام بدهد. و وقتی که این کار برای او لذت بخش شد و به آن علاقه پیدا کرد، این بار پولی در اختیارش قرار بدهید و بگذارید خودش بگردد دنبال کمبودی در مسجد و وسیله‌ای بخرد و وقف کند برای جبران آن کمبود.

این را هم بدانید که کودکان دائما به تذکر و یادآوری نیاز دارند لذا برنامه رفتن به

مساجد و امامزاده‌ها و سایر مکان‌های وقفی را جزو برنامه هایتان قرار بدهید و هر بار به هر کدام که سر می‌زنید ابتدا از او بخواهید تا فوایدش را برای شما بگوید. بعد هم شما هر چه از قلم انداخته اضافه کنید و او را متوجه این نکته کنید که یک کار خوب از یک شخص خوب، چقدر می‌تواند مفید و تأثیرگذار باشد. یادآوری مسألهٔ ثواب‌های ابدی را هم فراموش نکنید.

مجبور که نیستید!

«ایستادن»، «حبس کردن چیزی» و «منحصر کردن استفاده از چیزی برای مسئله‌ای، شخص یا اشخاصی»، ساده‌ترین معانی لغوی آن هستند. در اصطلاح «حبس دائم عین مالی را گویند که منافع آن به رایگان در اختیار تأسیسات یا شخص یا اشخاصی مخصوص باشد».

این مطلب را از اینترنت پیدا کرده‌ام! ممکن است تصور کنید که برای آموزش دادن وقف لازم است حتما همه چیز را بدانید! خیر! این روزها عصر ارتباطات است. اگر خودتان هم فرصت ندارید به دیگران از وقف بگویید می‌توانید آن‌ها را دعوت کنید به دیدن اینترنت. به خواندن چند سایت یا مقاله یا کتاب خوب! یا حتی می‌توانید از فردی که این مسائل را خوب بلد است بخواهید برای دیگران توضیح دهد. یک جلسه بگیرید، فامیل را دعوت کنید و از یک روحانی بخواهید تا وقف را

کاملاً توضیح دهد.

مجبور نیستید که همه کاری را خودتان انجام دهید. برای اینکه سبب خیر شوید همین که فکرش را بیندازید در ذهن دیگران کافی است و همین فکر انداختن در ذهن دیگران برایتان ثواب به ارمغان خواهد آورد. خدا حواسش هست و در دفترش ثبت می‌کند.

انبوهی از کتاب‌ها هم هست که می‌تواند راه‌گشا باشد. اصلاً همه دوستان را دعوت کنید و همین کتاب را بدهید بهشان! همین کتابی که حالا دستتان هست. بودن یا نبودن را می‌گوییم.

رنگ‌ها و عطرها



## وقف به روز

همیشه قرار نیست زندگی مان تکرار زندگی دیگران باشد. کارهائی را انجام بدهیم که دیگران انجام داده اند و جاهایی برویم که دیگران رفته اند. بله! باید کارهای درست را انجام داد ولی نه همیشه به همان سبکی و حالتی که دیگران انجام داده اند. در وقف هم مساله همین است. این که مثلا ۸۰۰ سال پیش مرحوم میرزا جهانگیرخان زمین کشاورزی ای را وقف کرده تا از درآمد سالیانه اش به مکتب خانه ها کمک کنند، خیلی کار خوبی است ولی دلیل نمی شود که اگر امروز کسی خواست ثواب وقف را در پرونده اعمالش داشته باشد، حتما تنها راهش سفر به روستا باشد. تا بگردد دنبال زمین کشاورزی ای که قرار است به فروش برسد و بعد هم بگردد دنبال مکتب خانه ای برای وقف درآمد زمینش! همیشه در هر دوره و زمانی افراد حواس جمعی زندگی می کردند که چشم شان دنبال کمبودها بوده. برای همین است که اگر به موقوفات در طول تاریخ نگاه کنیم، می بینیم در هر عصر و دوره ای موارد جدیدی به موقوفات و نیت واقفین اضافه شده که نتیجه ریزبینی عده ای واقف به روز است.

حالا که قرار است به لطف خدا همه دنبال وقف برویم، شاید بد نباشد چند



پیشنهاد را بررسی کنیم و ببینیم ما هم می‌توانیم واقف به‌روز باشیم یا نه. البته هر کس در تخصص خودش، استادتر است و کمبودها را بهتر می‌شناسد و ممکن است بعد از خواندن این چند خط، پیشنهادهای بهتری به ذهنش برسد. ولی این نکته را بدانید که وقف برای پر کردن جاهای خالی‌ای است که عده‌ای را به زحمت انداخته. با این تعریف هر جای خالی‌ای که پیدا کردید، قبل از پر کردنش، نیت وقف کنید و بسم الله بگویید. در صفحه‌های بعد، چند پیشنهاد داریم با رنگ و عطرهاى مختلف برای آنان که دنبال وقف‌های به‌روزاند!

وقف‌های به‌روزی که تأثیرش در زندگی همه ما مشخص خواهد شد. هم تأثیر روحی و روانی که از اخلاص ما نشأت می‌گیرد و هم تأثیرات اجتماعی و فرهنگی و... . کسی چه می‌داند شاید روزی خود ما نیازمند شدیم و از وقفی که خودمان کردیم استفاده کردیم. یا حتی خانواده‌هایمان، دوستان، آشنایان و یا حتی در نسل‌های بعدمان. وقف هم تأثیرش برای دیگران است و هم برای خودمان. باورش کنیم.

## پشتوانه علمی نخبگان

این پیشنهاد از آن مواردی است که همیشه در طول تاریخ بوده و انگیزه ثابت کسانی است که دغدغه سواد و پیشرفت را دارند. مرحوم میرزا جهانگیرخان را که هنوز یادتان هست و زمین کشاورزی و مکتب‌خانه‌اش؟ حالا همین هزینه کردن برای پیشرفت علم و سواد را کمی به روزتر و تخصصی‌تر نگاه کنیم. آدم‌ها در استعداد‌های شان با هم متفاوتند. بعضی‌ها استعدادهایی دارند که هیچ‌کس دوستش ندارد، مثلا استعداد چاقی! بعضی‌ها اما استعداد‌های دوست‌داشتنی‌تر و مفیدتری دارند. «نخبگان» افرادی هستند که خدای مهربان امتیازات هوشی، جسمی و روانی ویژه‌ای به آن‌ها داده. و اگر قرار باشد بین یک نخبه و یک انسان معمولی مسابقه‌ای بگذارند برای حل مساله‌ای، نخبه عزیز ما شاید در یک چهارم وقتی که یک انسان معمولی باید فکر کند، مساله را حل می‌کند. حالا واقعا حیف نیست نخبگانی که در کشور عزیزمان زندگی می‌کنند به خاطر نبود بعضی امکانات نتوانند از استعدادها و توان‌مندی‌های شان استفاده کنند. پس آن دسته از عزیزانی که دوست دارند در مسائلی که به پیشرفت علم و سواد مربوط می‌شود، وقفی انجام بدهند، این بار ساخت آزمایش‌گاه‌ها و کتابخانه‌های تخصصی ویژه نخبگان را انتخاب کنند.

## ازدواج آسان جوانان

یکی از آرزوهایی که خیلی از جوانان، برآورده شدنش را فقط در خواب می بینند ازدواج است. چرا که با وضعی که این روزها به لطف دشمنان پیش آمده، باید رستم دستانی پیدا شود که بتواند هفت خان ازدواج های به سبک روز را رد کند و شاخ غول مجردی را بشکند. حالا اگر کسی بیاید و پاپیش بگذارد برای آسان کردن این مساله، شک نکند که این قدر برایش دعا می کنند که نگو و نپرس. از خود جوان ها گرفته تا پدر و مادرشان تا فامیل های دور و نزدیک شان و تا حتی همه افرادی که باید هر روز پای درد دل این ها می نشستند. مثلا واقفی پیدا شود که یک قطعه زمین مرتب و منظم را وقف کند برای ساخت سالن عروسی با ورودی رایگان. ویژه کسانی که می خواهند عروسی بدون گناه داشته باشند. خدا را چه دیدی شاید عده ای هم پیدا بشوند که حاضر شوند قید گناه را بزنند تا خرج سالن عروسی شان حذف بشود. آن وقت است که ثواب روی ثواب گیر واقف می آید. فقط یادتان نرود که می توانید شرط های خوبی هم برای استفاده از موقوفه تان بگذارید تا ثواب کارتان بیشتر شود. مخصوصا سعی کنید ازدواج را برای کسانی که مهریه های معقول و معمولی دارند، آسان کنید. بلکه کم کم بساط مهریه های تخیلی و مشکل ساز برچیده شود.

## مؤسسات همسرگزینی

همسر خوب از کجا بیاوریم؟ این جواب بیش‌تر جوان‌هایی است که از آن‌ها سوال می‌شود چرا زودتر ازدواج نمی‌کنید تا سر و سامان بگیرید؟ راست هم می‌گویند. سبک زندگی شهری جوری شده که دیگر همسایه از حال همسایه خبر ندارد. نه این‌که با هم دشمن باشند. مستاجری و خانه به خانه شدن‌های سالانه نمی‌گذارد کسی با همسایه‌اش صمیمی شود. البته مستاجری تنها مشکل نیست. شب به شب جمع شدن همسایه‌ها در مساجد و خانه‌های اهل محل، دیگر مثل قبل رواج ندارد. یکی از مشکلاتی که ایجاد کرده این است که دختر و پسرهای خوبی که سن ازدواج‌شان رسیده کمتر شناخته می‌شوند و طبیعتاً دیرتر اسباب ازدواج‌شان فراهم می‌شود. حالا اگر کسی بیاید و مال و ملکی را وقف کند تا مؤسسه‌ای تأسیس شود برای همسرگزینی، گره چند تا از این دختر و پسرها باز می‌شود؟ مؤسسه‌ای قانونی و تحت نظارت نهادهای اجتماعی کشور با مدیریت افراد خوش نام و اهل فن که در آن اسم و آدرس و مشخصات دختر و پسرهای خوب را ثبت کنند و تیم‌هایی هم برای تحقیق مأمور شوند تا از صحت اطلاعاتی که داده‌اند مطمئن شوند و هر کس دنبال دختر و پسر خوب می‌گردد سری به این مؤسسه بزند و همسر آینده‌اش را پیدا کند.

## مشاورهٔ دینی روحی و روانی

از دیگر مشکلات مهمی که متأسفانه جدی گرفته نمی‌شود و فقط وقتی اهمیّتش معلوم می‌شود که دیگر کار از کار گذشته و پشیمانی برایش سودی ندارد، مشکلات روحی روانی است. شاید شما هم در خبرها خوانده باشید اقدام به خودکشی‌هایی که برای خلاصی از یک ازدواج اشتباه اتفاق افتاده. یا معتاد شدن‌هایی که محصول ارتباط اشتباه پدر و فرزند است و یا خیابانی شدن دخترهایی که فقط احساس کمبود محبت در خانه‌شان، آن‌ها را راهی خیابان‌ها کرده و حالا خودشان و اطرافیان‌شان به قدری پشیمانند که خدا می‌داند و بس. و البته شاید افراد بسیار زیاد دیگری هم باشند که به خاطر مشکلات ریز و درشت‌شان دست به کارهایی زده‌اند که باعث پشیمانی‌شان شده و شاید فقط چند ساعت مشاوره، راهی جلوی پای‌شان می‌گذاشت که هم مشکل‌شان را حل می‌کرد و هم کارشان را به این‌جا نمی‌رساند. راه‌اندازی یک مرکز مشاوره که واقعی هزینه‌هایش را تأمین کند تا بتواند با کم‌ترین هزینه به نیازمندان مشاوره دهد، تیتربعضی اخبار حوادث روزنامه‌ها را تغییر می‌دهد.

## بحث حجاب و عفاف دختران

بعضی دخترها در مسأله حجاب و عفاف مشکل دارند و البته این مشکل‌شان مشکلات زیادی برای جامعه و مخصوصاً پسرها به وجود می‌آورد. فعلاً قصد نداریم در این مورد بحث کنیم که وظیفه دختران پوشیده بودن و جلب توجه نکردن است یا وظیفه پسرها نگاه نکردن؛ چرا که هر دو مورد لازم است. برای اینکه در خیابان تصادف نکنیم، هم باید مراقب باشیم که به کسی نزنیم و هم جوری رانندگی کنیم که دیگران به ما نزنند. اگر هر دو مورد را رعایت کردیم و بعد تصادفی پیش آمد، یقیناً ما مقصر نیستیم. حالا ریشه این مشکل کجاست و چه باید کرد؟ آیا همه زنان و دخترانی که به گوهر ارزشمند عفاف‌شان بی‌توجهند، از عمد و از روی آگاهی و برای ایجاد مشکل در جامعه، این‌طور رفتار می‌کنند؟ یقیناً این‌طور نیست. دلیل خیلی‌های‌شان چیزهای دیگری است که در نتیجه به ناآگاهی برمی‌گردد. حالا اگر از این همه افرادی که دغدغه دین و حجاب و عفاف مادران امروز و آینده جامعه‌مان را دارند، چند نفرشان همت کنند و موقوفه‌ای قرار دهند برای آگاهی بخشی به مسأله حجاب و عفاف، مطمئناً شرایط جامعه تغییر خواهد کرد. حداقل آن دسته‌ای که از روی ناآگاهی مرتکب این اشتباه می‌شدند، با آگاهی راهشان را انتخاب خواهند کرد.

## آموزش قرآن

برای رانندگی درست و بی خطر، اولین شرط، بلد بودن آیین نامه است. حتی کسانی که قرار است کنار دست سرهنگ بشینند و آزمون رانندگی بدهند تا گواهی نامه دار شوند، باید قبلش امتحان آیین نامه را قبول شده باشند. گرچه یادگیری آیین نامه بدون عمل کردن به آن، فایده‌ای ندارد ولی کسی که ادعا می‌کند دوست دارد بارعایت قوانین رانندگی کند، تا وقتی آن‌ها را یاد نگیرد، چه طور می‌خواهد رعایت‌شان کند. پس هم باید قوانین را یاد گرفت و هم به کار بست. قرآن آیین نامه زندگی خدایی است. عده‌ای پیدا می‌شوند که ادعا می‌کنند می‌خواهند خداپسندانه زندگی کنند ولی حاضر نیستند حتی نگاهی به آیین نامه‌اش بیندازند. که البته تکلیف‌شان مشخص است. ولی اگر قرار است بهترین زندگی را داشته باشیم، باید هم آیین نامه‌اش را یاد بگیریم و هم در زندگی از آن قوانین استفاده کنیم. برای این که تعداد آموزش‌گاه‌های آیین نامه زندگی خدایی بیشتر شود، عده‌ای باید واقف شوند. برای تاسیس دارالقرآن‌ها و موسسات آموزش قرآن.

## اماکن ورزشی ارزان، ویژه جوانان و نوجوانان

افزایش بیکاری با آمار جرم و جنایت رابطه مستقیم دارد. تمامی کارشناسان جامعه‌شناسی و سایر رشته‌های مربوطه این مساله را تایید می‌کنند. پس نتیجه می‌گیریم برای کم کردن آمار جرم و جنایت باید تلاش کرد در راستای کم کردن بیکاری. بخشی از این تلاش برمی‌گردد به همت صنعت‌گران و کسانی که می‌توانند موقعیت‌های شغلی ایجاد کنند ولی معنی بیکاری فقط شغل نداشتن نیست. دانش‌آموزان و دانشجویهایی که در ساعات غیردرسی‌شان برنامه خاصی ندارند و حتی شاغل‌هایی که ساعاتی در روز، وقت آزادی دارند که نمی‌دانند در آن چه کار کنند، در آن ساعات بیکار هستند و اگر همین وقت‌ها هم با برنامه‌های مفید پر شود، جرم و جنایت به حداقل می‌رسد. چه برنامه‌ای مفیدتر و جذاب‌تر از ورزش؟ بله می‌دانم که هزینه‌هایش زیاد است! این پیشنهاد هم می‌خواهد یک فکری برای این هزینه‌های سنگین کند. برای کم شدن هزینه استفاده از اماکن ورزشی که باعث می‌شود سیل جوانان و نوجوانان به این اماکن سرازیر شود و در نتیجه جامعه، امن‌تر شود و اعتیاد ریشه‌کن شود و به تبع آن دزدی و دعوای گاه و بی‌گاه و خیلی جرم‌های دیگر کم‌تر و کم‌تر گردد، باید چند نفر هزینه‌های‌شان را بگذارند برای ساخت سالن‌های چندمنظوره ورزشی.



## راه اندازی سایت‌ها و فضاهای مجازی سالم

همیشه برای شکار، باید اول دانه پاشید. تا وقتی کاری یا چیزی جذاب نباشد، کسی سراغش نمی‌رود. و چه کسی می‌تواند منکر جذابیت اینترنت شود؟ کشکولی از همه چیز! از اطلاعات علمی و دینی گرفته تا اطلاعات تاریخی و داستان و شعر تا جک و طنز و عکس و فیلم و صوت و حتی بازی و برنامه‌های گفتگوی آنلاین. خلاصه فقط شیر مرغ ندارد و جان آدمی زاد. جذابیتش به قدری هست که کمتر جوان و نوجوان و بلکه بزرگ سالی پیدا می‌شود که به گونه‌ای در حال استفاده از اینترنت نباشد. حالا یا برای مطالعات متفرقه در موضوعاتی که علاقه دارد و یا برای تکمیل تحقیق دانشگاه و موسسات علمی و یا برای پیدا کردن جواب سوالات شرعی و تاریخی و یا برای پر کردن اوقات فراغت. با شعر و داستان و جک و یا عکس و فیلم‌های طنز و صوت‌هایی که علاقه دارد و یا بازی‌های آنلاین و حتی گفتگوهای آنلاین و آفلاین راجع به هر موضوعی! پس دشمن دانه‌اش را پاشیده. آن هم نه یک مشت و دو مشت. آن قدری هست که اگر تمام ایرانیان هم بروند سراغ دانه‌ها باز کم نیاید. وقتی حسابی سرگرم دانه‌ها شدیم و اینترنت وارد لحظه لحظه زندگی‌مان شد، آن وقت شروع می‌کنند به شکار. برای همه هم نقشه دارند. برای کسی که دنبال اطلاعات تاریخی است،

مقاله‌هایی پر از تحریف‌های تاریخی آماده کرده‌اند که اطلاعات سالمش را خراب کنند و ذهنش را با اطلاعات غلط پر کنند. در مورد سوالات شرعی و دینی که حسابی نقشه کشیده‌اند. کافی است یک موضوع دینی جستجو کنید. سیلی از اطلاعات مختلف و بی‌ربط برای تان ردیف می‌شود. از اصل دین را زیر سوال بردن گرفته تا تمسخر اعتقادات و انحراف بحث‌های شرعی از دین. اما مهم‌ترین نقشه‌های‌شان را برای بخش اوقات فراغت گذاشته‌اند. زیرا بهترین طعمه‌ها را آن‌جا پیدا می‌کنند. جوانان و نوجوانانی که برای چند لحظه تفریح سالم وارد محیط اینترنت شده و با اولین جستجو، آن‌قدر با مطالب به ظاهر جذاب و منحرف‌کننده روبرو می‌شوند که چند لحظه‌شان می‌شود چند ساعت و پای برنامه‌های گفتگوی آنلاین و بازی‌های آنلاین که باز شود، چند ساعت‌شان را می‌کند چندین سال. نقطه اشتراک همه‌شان هم چند چیز است. جذابند و بی‌فایده و وقت تلف‌کن و منحرف‌کننده. حالا در این و انفسایی که دشمن با این قدرت مشغول شکار است، چه خوب می‌شد اگر حداقل می‌توانستیم تعدادی از طعمه‌ها را نجات دهیم. هر برنامه و سایت اینترنتی جذاب و سالمی که اضافه شود، مقداری از این طعمه‌های ارزشمند را نجات می‌دهد. البته که هزینه دارد ولی راه تأمین هزینه‌هایش هم وجود دارد. وقف. شاید ثوابش هم کم‌تر از بقیه وقف‌های مرسوم نباشد.

## کمک به رفع نیاز مالی بیماران سرطانی

دو نعمت‌اند که تا وقتی هستند، کسی قدرشان را نمی‌داند: یکی امنیت و دیگری سلامت. کافی است یادتان بیاید از روزهایی که یکی از اعضای خانواده‌تان بیمار شده بود. آرامش خانه به هم می‌ریزد و همه همت‌شان را می‌گذارند برای بهبودی مریض و دعا می‌کنند برای زودتر خوب شدنش. وقتی دوباره نعمت سلامت برمی‌گردد، دوباره آرامش هم می‌آید. اما در اطراف ما خانواده‌هایی هستند که بیمارشان با یک روز و دو روز و یک هفته و دو هفته بهبود نمی‌یابد. دوره درمان بعضی بیماری‌ها چندین سال است و در تمام این مدت، جدای از آرامشی که بابت بیماری مریض از بین رفته، استرس دیگری هم اضافه می‌شود به نام تامین هزینه‌های درمان. هزینه‌هایی سنگین و مدت‌دار که کمر خانواده را می‌شکند. آن دسته از واقفینی که دوست دارند برای سلامت مردم کاری کنند، به فکر بیشتر کردن بیمارستان‌های تخصصی درمان سرطان و سایر بیماری‌های صعب‌العلاج باشند. دعای خیر بیماران و خانواده‌های‌شان در زندگی انسان تاثیرات اساسی دارد.

## بهبزیستی و معلولان و سال‌مندان

بعضی انسان‌ها خیلی مظلومند. خیلی خیلی مظلوم. هر وقت به یک معلول لبخند می‌زنم و برایش دست تکان می‌دهم و او هم با آن صورت معصوم و آن تکان‌های غیرعادی جواب لبخند و سلامم را با یک ذوق و شور و شغف عجیب می‌دهد، قبل از خوشحال شدن از لذتی که برایش ایجاد کردم، آن قدر دلم می‌سوزد که باید به زور جلوی اشک چشمم را بگیرم. این آفریده‌های مظلوم خدا که خوشحال کردنشان، خدا را خیلی خوشحال خواهد کرد. البته حکایت آسایش‌گاه‌های سالمندان هم همین‌طور است. پیرمردها و پیرزن‌هایی که منتظرند کسی پیدا شود تا فقط به خاطراتشان گوش دهند. یا کودکان یتیم و بی‌سرپرستی که خداوند دوست دارد بنده‌هایش نسبت به آن‌ها احساس مسئولیت کنند و برای آسایش و رفاه آن‌ها هم کاری کنند و البته که خدا اجرشان را چند برابر خواهد داد. خوب است عادت کنیم چند وقت یک‌بار، سری به آسایش‌گاه‌های معلولین و سال‌مندان و بهبزیستی بزنیم و حداقل با لبخند و یک جعبه شیرینی، دل‌هایشان را شاد کنیم. کسانی که دنبال وقف هستند و هنوز موردش را انتخاب نکرده‌اند، شاید بتوانند نیازمندی‌های آن مکان‌ها را با موقوفاتشان تامین کنند.

## اردوهای زیارتی ویژه اهالی مناطق محروم

تا الان زیارت امام رضا علیه السلام رفته‌اید؟ این سوال را اگر از بچه‌های دبیرستانی شهرتان بپرسی، شاید از ۲۰۰-۳۰۰ نفر، ۴۰-۵۰ نفرشان جواب منفی بدهند. شاید هم کم‌تر. اصلاً شاید برای بعضی‌هاشان عجیب باشد اگر یکی دو سال یک بار مشهد نروند. اما اگر در دبیرستان‌های مناطق محروم همین سوال را بپرسی شاید همه نگاه‌ها برگردد سمت یکی دو نفری که تنها زوار امام رضا علیه السلام در منطقه‌شان هستند. البته این زیارت رفتن‌ها فقط مخصوص نسل جوان‌تر نیست. بزرگ‌ترهای‌شان هم خیلی محدود توفیق زیارت داشته‌اند. در مناطق محروم آن قدر کمبودهای مالی هست که حتی فراهم کردن یک زندگی بسیار بسیار معمولی هم مشکل است چه برسد به تامین هزینه‌های یک سفر زیارتی چند روزه. اگر دوست دارید به کسانی التماس دعا و زیارت بگویید که خیلی ساده و صمیمی‌تر با امام رضا علیه السلام حرف می‌زنند، نیت کنید که بخشی از دارایی‌تان را وقف کنید برای این‌که هر سال تعدادی از زیارت‌رفته‌های مناطق محروم را بفرستید زیارت. مطمئن باشید حتی اگر به آن‌ها یادآوری هم نکنید، کلی برای‌تان دعا می‌کنند.

## برپایی هیأت مذهبی با مضامین انقلابی و عاشورایی

الحمد لله هیأت و حسینیه در کشور ما زیاد است ولی هر جا به اسم امام حسین علیه السلام و وزیر پرچم امام حسین علیه السلام عده‌ای جمع بشوند و روضه بخوانند و سینه بزنند که نمی‌شود هیأت حسینی. در هیأت‌ها اگر بعضی مسائل مراعات نشود، نه تن‌ها امام حسین علیه السلام در آن حاضر نمی‌شود، که شمر و یزید هم می‌آیند و در آن هیأت سینه می‌زنند. هیأتی که در آن حرفی از بصیرت و اطاعت از ولی نباشد. هیأتی که در آن حرف از یزید و شمر زمان نباشد. هیأتی که فقط بشود شور تن‌ها بدون شعور. و متأسفانه باید اعتراف کرد که این جور هیأت‌ها روز به روز بیش‌تر هم می‌شوند. در مقابل هیأت‌هایی که در آن هم سینه می‌زنند و هم گریه می‌کنند برای مصیبت‌های امام حسین علیه السلام و ظلم‌هایی که به ایشان شد و در کنار این شور، شعور هم دارند و سبک زندگی حسینی را ترویج می‌دهند و این‌که حضرت هیچ‌گاه زیر باز ظلم نرفت و با ظالم بیعت نکرد و... بسیار کم‌اند. باید حسینیه‌هایی وقف کرد که در آن‌ها، راه امام حسین علیه السلام هم ترویج شود نه فقط نام.

## کتاب‌خانه مناطق محروم

کتاب‌خانه هر کجا که باشد، مفید است. وجود جایی که هم بشود در آن با خیال راحت و تمرکز و در سکوت درس خواند و هم دسترسی به منابع مختلف مورد نیاز ممکن باشد، واقعا ارزشمند است. حالا در شهر باشد یا روستا. ولی نیاز مناطق محروم بیش تر است. چه بسیار استعدادهایی که به خاطر نبود امکانات برای شکوفا شدن، از بین می‌روند و چه قدر زیاد بودند دانشمندان دینی و علمی‌ای که از مناطق محروم برخاسته‌اند. البته ارزش کتاب‌خانه فقط به این نیست که عده‌ای دانشجو و دانش‌آموز می‌توانند در آن بیش‌تر و بهتر درس بخوانند. وجود یک کتاب‌خانه، افراد را قلقلک می‌دهد برای مطالعه. همین که عده‌ای به جای بعضی اتلاف وقت‌های مشکل‌دار و دردرس‌ساز، وقت‌شان را به مطالعه بگذرانند فایده کوچکی است؟ این که به برکت کتاب‌خانه و مطالعه، فرهنگ‌ها بهتر شود و سطح زندگی‌ها بالاتر رود کم است؟ قابل توجه واقفین محترم. چیزی که زیاد است مناطق محروم بی‌کتاب‌خانه.

## ساخت بازی‌های رایانه‌ای ارزشی

در جنگ، خالی ماندن برخی محورهای خاص، باعث ایجاد مشکل نمی‌شود. آن‌هم محورهایی است که فعلا دشمن به آن‌ها کاری ندارد. ولی محورهایی که در آن‌ها دشمن با سرعت در حال پیش‌روی است و تمام توان و ابزار خود را به کار گرفته تا آن‌را تصاحب کند، حتی نباید لحظه‌ای خالی از مبارز باقی بماند. در جنگ فرهنگی ما، محور مهم بازی‌های رایانه‌ای ضعف جدی دارد. به اسم بازی فرزندان مان را منزوی و تنها کرده‌اند. به اسم بازی دارند رفتارهای خشن یادشان می‌دهند و یادشان می‌دهند هرچه خشن‌تر باشند، موفق‌ترند. به اسم بازی در ذهن‌شان قدرت‌های دنیا را تبه‌بندی می‌کنند و کشور ایران را همیشه جزو ضعیف‌ترین‌ها و آسیب‌پذیرترین‌ها معرفی می‌کنند. باید این محور را تقویت کرد. ارزشش را دارد که عده‌ای را نشانند پای کار تا اگر تخصص ندارند، یاد بگیرند و اگر دارند وقت بگذارند برای ساخت بازی‌هایی ارزشی. آن‌هم بازی‌هایی که توان رقابت با نمونه‌های خارجی را داشته باشد. در جنگ، با تفنگ آب‌پاش نمی‌توان مقابل کلاش ایستاد. یکی از راه‌های تامین هزینه‌های ساخت این بازی‌ها، وقف است.



## رسیدگی به خانوادهٔ زندانیان

از دل خراش‌ترین صحنه‌هایی که حتی وقتی توی فیلم‌ها می‌بینیم دل‌مان به درد می‌آید، زنی است که بچه‌اش را بغل کرده و دارد از پشت میله‌های زندان با شوهرش حرف می‌زند. با سرپرست خانواده. با کسی که باید سایه‌اش بالای سر زن و بچه‌اش باشد تا مبادا در زندگی احساس کمبود کنند. با کسی که تامین هزینهٔ زندگی به عهدهٔ اوست و اگر نباشد، معلوم نیست چه بلایی بر سر آن خانواده می‌آید. کم نیستند خانواده‌های زندانیانی که به خاطر همین مورد آخر، یعنی تامین هزینه‌های زندگی، مجبور می‌شوند مرتکب خلاف شوند و شاید حتی به گناهای سنگین‌تر از گناه سرپرست خانواده دست بزنند. همسر زندانی ممکن است به فکر جدایی بیفتد و اگر این‌طور شود دیگر بلایی که بر سر بچه‌ها می‌آید قابل پیش‌بینی نیست. از طرفی تربیت فرزندان، بدون حضور پدر سختی‌های خودش را دارد و این‌که این‌گونه فرزندان در راه‌های درست قرار نگیرند و سراغ راه‌هایی بروند که یا باعث نابودی خودشان می‌شود و یا ایجاد مشکل برای جامعه، اصلاً بعید نیست. اگر عده‌ای نیت کنند که مالی را وقف کنند برای تامین هزینه‌ها و رسیدگی به خانوادهٔ زندانیان، هم به ثواب وقف رسیده‌اند و هم باعث پایین آمدن آمار جرم و جنایت می‌شوند.

## کمک به پرداخت دیه غیر عمد

در ادامه پیشنهاد قبلی، می‌شود برای خانواده زندانیان البته آن دسته‌ای که به دلیل جرائم غیر عمد و نداشتن دیه، درد زندان را تحمل می‌کنند، فکر بهتری کرد. آن‌هم اقدام برای آزاد شدن‌شان است. این زندانیان اگر دیه‌ای که محکوم به پرداختش شدند، بپردازند، آزاد می‌شوند و دوباره کانون خانواده‌های‌شان گرم می‌شود. وقف برای تأمین دیه جرائم غیر عمد هم باید در جامعه پررنگ‌تر شود. آمار این نوع زندانیان خیلی بالاست.

## رسیدگی به ایتام

کودکی را تصور کنید که قرار است یک عمر بدون این دو نعمت زندگی کند. نه هیچ‌گاه طعم مهربانی‌های مادر را می‌چشد و نه هیچ‌وقت طعم دل‌گرمی حضور پدر را. این محرومیت‌های روحی، جدای از محرومیت‌های ظاهری است. یتیم، مادری ندارد تا برای موفق شدنش در امتحانات برایش جایزه‌ای بخرد و پدری ندارد که خوراک و پوشاکش را تامین کند. برای همین است که دین ما، این‌قدر به ایتام حساس است و راجع به رسیدگی به آن‌ها تاکید می‌کند. البته از طرفی باید متوجه این مساله هم بود که اگر کودکی یتیم باشد، از نعمت تربیت هم محروم می‌ماند و اگر در این میان انسان کثیفی پیدا شود که به دنبال سوءاستفاده از دیگران باشد، کودک یتیم، بهترین طعمه برایش خواهد بود. کودکانی که شاید روزانه در چهارراه‌ها و خیابان‌ها مشغول دست‌فروشی و یا گدایی هستند و اگر سراغ پدر و مادرشان را بگیری با یک کلمه «ندارم» پاسخت را بدهند. و در پیش‌گاه خدا چه جوابی داریم اگر از ما سوال کند چرا در حالی که توانایی داشتی، کاری برای این کودکان یتیم و بی‌سرپرست انجام ندادی؟ از ارزشمندترین نیت‌ها برای وقف، کمک و رسیدگی به ایتام است.

## صندوق قرض الحسنه

مساجد واقعا مکان‌های ارزشمند و مقدسی هستند. جدای از بحث نماز جماعت و سخنرانی و منبر که هر کدام تاثیرات مثبت خودش را در محله می‌گذارد، می‌توان استفاده‌های دیگری از این محل تجمع اهالی متدین محل کرد. استفاده‌ای غیر از مجالس ختم. مثلا مسجد محل، مکانی بشود برای معرفی دختر و پسرهای خوبی که وقت ازدواج‌شان رسیده و مورد مناسبی پیدا نکرده‌اند. یا هماهنگی برای عیادت از مسجدی‌هایی که بیماری، زمین‌گیرشان کرده و یا سرزدن به خانواده‌های شهدا. اما بعضی‌ها فکرها بهتر می‌کنند. فکری که شاید حتی در بیشتر شدن مسجدی‌ها بی‌تاثیر نباشد. البته اگر این‌طور هم باشد، باز اشکالی ندارد زیرا گرچه به این بهانه مسجدی می‌شوند ولی حضور در نماز و پای منبرها، تاثیر خودش را می‌گذارد. یکی از موارد ایجاد صندوق قرض الحسنه برای رفع و رجوع مشکلات مسجدی‌هاست. صندوقی که پشتوانه‌ای هر چند کم، برای ازدواج جوانان مسجد و یا تامین هزینه‌های تحصیل جوانان مسجدی باشد. و یا حتی رسیدگی به فقرای محل و دادن وام‌های بدون بهره، برای رفع نیازهای لازمی که هزینه‌اش را ندارند. این‌ها تازه گوشه‌ای از فواید یک صندوق قرض الحسنه است. مسائلی مثل پرداخت

بدهی، تامین و تهیه جهیزیه، درمان بیماری و بسیاری از هزینه‌های ریز و درشتی که شاید خانواده‌ای را درمانده و پریشان کرده باشد، با وجود چنین صندوقی برطرف می‌شود. و چه بسا اگر مدیر صندوق بتواند همت کند و فعالیت‌های صندوق را افزایش دهد حتی می‌تواند با موجودی صندوق سرمایه‌گذاری‌های بزرگ‌تری انجام دهد و دارایی صندوق را چند برابر کند و مشکلات تعداد بیشتری از اهالی محل را برطرف کند. البته راه‌اندازی چنین صندوق‌هایی نیاز به مکان دارد و سرمایه دارد. هر دو را هم شاید افرادی حاضر باشند تامین کنند. با عمل خیری به نام وقف.



راه فرار



## آفات وقف

تفاوت یک اتومبیلِ گران‌قیمت با ماکتِ همان اتومبیل در چیست؟ تفاوت اصلی‌اش در این است که می‌شود سوار اولی شد و رفت به مسافرت و گشت و گذار ولی دومی را فقط می‌شود نگاه کرد. برای همین ارزش‌شان هم زمین تا آسمان با هم فرق می‌کند. البته شاید ماکت‌ساز به قدری ماهر باشد که ماکت را طوری بسازد که از نظر ظاهری با نمونه واقعی‌اش مو‌زنند ولی هر قدر هم در ساخت ماکت، هنر و زمان و حتی هزینه صرف کند، باز تاثیری در ماکت بودنش ندارد. تاثیری در بی‌فایده بودنش ندارد. باز هم نمی‌شود سوارش شد و به گشت و گذار رفت. البته شاید عده‌ای، ماکت را برای همین ماکت بودنش بخواهند، که طبیعتاً تکلیف آن‌ها فرق می‌کند ولی کسی که قصد دارد اتومبیلی بخرد که قابل سوار شدن باشد، در صورت خرید ماکت، نه تنها هیچ سودی نمی‌کند که ضرر هم خواهد کرد.

آفت یعنی کاری که اتومبیل واقعی‌مان را تبدیل می‌کند به ماکت. یعنی تو خالی کردن کار خوب. هزینه می‌کنیم برای این‌که از آن عمل صالح در فردای قیامت استفاده ببریم ولی با دست خودمان، اتومبیل‌مان را تبدیل به ماکت می‌کنیم که نه تنها هیچ



فایده‌ای ندارد و فقط ظاهر دارد، بلکه باعث ضرر و از بین رفتن سرمایه‌های مان هم می‌شود. مواظب باشیم وقف مان را با آفت‌ها خراب نکنیم.

آفت‌هایی که گاهی به گونه‌ای به جان اعمال ما می‌افتند که به جای ثبت شدن آن عمل به عنوان یک عمل خیر و با ثواب، آن را در قسمت گناهان ما ثبت می‌کنند. ساده‌تر بگوییم. باید مراقب باشیم آفتی به وقف مان وارد نکنیم که در روز قیامت، باعث حسرت مان بشود. حسرت از این که هم مال و ملک مان را از دست دادیم و هم ثوابی کسب نکردیم و هم گناهی به گناهان مان اضافه کردیم. حسرتی که هیچ فایده‌ای ندارد.

## قهوه‌خانهٔ وقفی

چند وقت است برایت سؤال شده که چرا قهوه‌خانه‌ای که تازه در محله‌تان راه افتاده، این قدر مشتری دارد. شاید دو سه برابر بقیهٔ جاها. حتی یک بار از سر کنج‌کاوی وارد شده بودی که ببینی داخلش چه خبر است. ظاهراً خیلی نکتهٔ خاصی نداشت. مثل خیلی قهوه‌خانه‌های سنتی، پراز دود بود و البته از بین دودها کشکول و تبرزینی که به دیوار آویزان بود، پیدا بود و چند تا عکس بزرگ از شمایل منتسب به امامان. یک گوشه را هم کاشی‌کاری کرده بودند و خلاصه هر چه بیشتر دقت کرده بودی، کمتر چیزی دستت آمده بود. تصمیم گرفتی از خود مشتری‌ها سؤال کنی. وقتی از یکی از همسایه‌ها که مشتری ثابت آن جاست، جواب را شنیدی نمی‌دانستی باید بخندی یا گریه کنی. آن‌طور که همسایه‌ات می‌گفت حاجی فلانی که تازگی به رحمت خدا رفته روزهای آخر عمرش، نصف دارایی‌اش را وقف کرده برای ساخت این قهوه‌خانه. همین باعث شده که هزینه‌های جاری قهوه‌خانه کم‌تر از بقیهٔ جاها بشود و قیمت‌هایش هم ارزان‌تر. برایت سوال شده که وقفش قبول است یا نه. از طرفی با خودت فکر می‌کنی هر چه باشد وقف است و طرف از مالش گذشته برای این‌که دیگران استفاده‌ای ببرند و از طرفی نمی‌توانی به خودت بقبولانی که

چنین کاری، وقف به حساب بیاید. مخصوصاً وقتی در کتابی می‌خوانی که حضرت امیرالمومنین علیه السلام در یکی از وقف‌نامه‌هایشان انگیزه خود را این‌طور فرموده:

اِتْتَعَا وَجْهَ اللَّهِ لِيُؤَلِّجَنِي بِهِ الْجَنَّةَ وَيَصْرِفَنِي بِهِ عَنِ النَّارِ وَيَصْرِفَ النَّارَ عَنِّي يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌُ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌُ؛

برای جلب رضایت خداوند [وقف کردم] تا به سبب آن مرا داخل بهشت برین فرماید و از آتش دورم دارد و آتش را از صورتم دور فرماید، در روزی که صورت‌هایی سفید و صورت‌هایی سیاه‌اند.

(بحارالانوار، جلد ۶۷، صفحه ۱۸۷)

نمی‌توانی قبول کنی که با وقف قهوه‌خانه‌ای که نه تن‌ها هیچ سودی برای کسی ندارد که باعث ضررهای زیادی به افراد و جامعه می‌شود، می‌شود رضایت خدا را جلب کرد. این‌که کسی وارد بهشت شود یا از آتش دور شود به خاطر این‌که قهوه‌خانه وقف کرده، اصلاً پذیرفتنی نیست. سراغ روحانی مسجد می‌روی و قضیه را می‌گویی. برایت از آفت‌های وقف می‌گویند. از اینکه وقف، دو بُعد دارد. یک بُعدش نفع و فایده‌هایی است که برای بقیه دارد و یک بُعدش نفع و فایده‌هایی که برای خود انسان. هر کدام هم آفت‌های خاص خودشان را دارند. می‌گویند وقفی مقدس و ارزشمند است

که باعث رفع مشکلات و نیازهای مردم شود و چاله چوله‌های زندگی‌شان را پر کند و یا باعث پیش‌رفت جامعه به سمت و سویی که خدا دوست دارد، بشود. می‌گویید یکی از آفات وقف این است که وقفی انجام شود که بی‌فایده باشد و یا از آن بدتر، برای دیگران ضرر داشته باشد. دلت آرام می‌شود که وقف هم ملاک دارد و هرکسی هر چیزی را با هر نیتی نمی‌تواند وقف کند.

## منت

یکی از تلخ‌ترین اتفاقاتی که ممکن است برای یک کشاورز بیفتد، آتش گرفتن مزرعه است. مخصوصاً اگر باعث و بانی آتش‌سوزی سیگاری باشد که خودش دود کرده. کشاورز بی‌چاره یک‌سال با هزار امید و آرزو وقت گذاشته بود و زحمت کشیده بود ولی در نهایت چیزی که نصیبش شد یک مشت خاکستر است و کلی حسرت و غصه. به امید این‌که پسرش را داماد کند زمین را شخم زده بود و خیال عروس شدن دخترش باعث شده بود که گرما و سرما را تحمل کند و مراقب آبیاری زمینش باشد و فکر صاف کردن بدهی‌هایش، زحمت نگهبانی از زمین و رسیدگی به گندم‌ها را برایش آسان کرده بود. اما قیل از این‌که بخواهد محصولش را درو کند و آرزوهایش را عملی، با دست خودش آتشی فرستاد و خاکستر کرد همه آن امیدها را. هم به محصولش نرسید و هم هزینه‌هایی که برای آب و بذر و سم‌پاشی و ... داده بود، برایش ضرر شد و هم وقتش بی‌ثمر گذشت. بعضی کارهای ما، آتشی است که به جان مزارع ثواب‌های مان می‌اندازیم. فکر می‌کنیم، زحمت می‌کشیم و هزینه می‌کنیم و آپارتمانی وقف می‌کنیم برای اسکان زوج‌های جوان یتیم. به امید این‌که دعای خیرشان باعث رونق زندگی مان بشود. به امید این‌که دست‌های مان روز قیامت خیلی خالی نباشد. بعد

هر روز می‌رویم و به اسم سرکشی، منت می‌گذاریم سریتیم‌ها و بعضی وقت‌ها هم با گیردادن‌های بی‌خود و بی‌جهت، ناراحت‌شان می‌کنیم و با خودمان هم فکر می‌کنیم که حق داریم چون هر چه باشد بالاخره واقف‌ش هستیم! نمی‌دانیم داریم با دست خودمان هر چه رشته‌ایم، پنبه می‌کنیم.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت گذاشتن و آزار باطل نکنید.

(سوره بقره، آیه ۲۶۴)

## عجب و خودپسندی

گناه را که کلابوسیده‌ای و گذاشته‌ای کنار زندگی و مال و منالت را هم تقسیم کرده‌ای بین خودت و فقرا. برای شان مدرسه ساختی و تا الان بیش از هزاران دانش‌آموز فقط از برکت دستان تو در آن مدرسه باسواد شدند. بیمارستان ساختی و هزاران بیمار نیازمند را که برای دوا و درمان به مشکل برخوردیده بودند نجات دادی. مسجد ساختی و هر روز جمعیت زیادی در مسجدی که با پول تو ساخته شده نماز می‌خوانند. تازه این کارهای درشتت بود. کمک به دختران یتیم و تهیه جهیزیه عروسی‌شان. پخش غذای نذری در محله‌های فقیرنشین. کمک به هیات‌ها و حسینیه‌ها. واقعا خدا چطور می‌خواهد پاداش این همه خوبی و کار خیرت را بدهد؟ با این همه ثواب، دیگر شش دانگ که هیچ، هشت دانگ بهشت را تصاحب کرده‌ای. اگر قرار باشد تو به بهشت نروی، پس قرار است چه کسی برود؟ فقط تویی که لیاقت هم‌نشینی با اهل بهشت را داری و... خلاصه این قدر از خوبی‌هایت می‌گویند و از اثرات کارهای خوبت که نظرت راجع به خودت عوض می‌شود. تا قبل از این تنها چیزی که به آن فکر می‌کردی این بود که داری کار خیری انجام می‌دهی که روز قیامت به درد خودت می‌خورد. کار خوبی که در برابر کارهای خوب دیگران و در برابر خود خدای

مهربان بسیار ناچیز است و حتی گاهی خجالت می‌کشیدی که بیش از این در راه خدا خرج نمی‌کنی. ولی الان احساس خاصی داری. انگار تازه فهمیده‌ای که خیلی هم کم نگذاشته‌ای. کارهای خوبت آن قدری هست که نه تنها باعث خجالتت پیش خدا نشود که باید خدا مباحات کند به تویی که این طور برای رضایتش تلاش کرده‌ای. و نه فقط خدا که بنده‌های خدا هم باید جور دیگری با تو برخورد کنند. بالاخره تو مثل بقیه نیستی. تو یک واقف بزرگی. باید هر کجا که وارد شدی به احترامت بلند شوند و هر بار که سراغت می‌آیند حداقل برای بوسیدن دستانت خم بشوند، حتی اگر تو نگذاری که دستت را ببوسند! این احساس را کردی، شیطان رهایت می‌کند. چون به هدفش رسیده و دیگر نیاز نیست غصه‌ات را بخورد. اتفاقاً با این احساس، هر چه بیشتر خرج کنی، بیشتر خوشحالش می‌کنی.

حضرت امیرالمومنین علیه السلام می‌فرمایند:

سَيِّئَةٌ تَسُوءُكَ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُكَ؛

خطایی که باعث ناراحتی [و پشیمانی] تو شود، نزد خداوند از کار نیکی که باعث خودپسندی تو شود، بهتر است.



## ریا

تصور کن روزی «برندهٔ جایزهٔ ویژه بانک» بشوی. طبیعتاً دوست نداری هیچ‌کس از این جایزه باخبر بشود. حتی عزیزترین کسانت. اصلاً اگر بفهمی کسی خبردار شده، ناراحت می‌شوی. می‌دانی که اگر خبرش پخش بشود، دیگر نمی‌توانی حتی ذره‌ای روی آن پول حساب کنی، آن قدر دوست و آشنا داری که اگر قرار باشد برای همه‌شان مقداری خرج کنی، کل جایزه که تمام می‌شود هیچ، باید از جیبیت هم چیزی روی آن بگذرای. دوست داری اگر بشود این جایزه را بی‌سروصدا به حسابت واریز کنند و صدایش را هم در نیاورند. جایزه‌ای خوب است که همه‌اش به انسان برسد و گرنه اگر قرار باشد یک ماشین به آدم بدهند و بعد مجبور شویم به مقدار نصف قیمت ماشین، فقط مهمانی بگیریم و بعد هم یک روز درمیان، ماشین را به این و آن امانت بدهیم، همان بهتر که نصیب‌مان نشود همچین جایزهٔ پردردسری.

بعضی‌ها مان وقتی برای دنیا سرمایه‌گذاری می‌کنیم یا قرار است سود و منفعتی دنیایی گیرمان بیاید، نمی‌گذاریم کسی از کم و کیفش خبردار شود و حتی اگر به اصرار ازمان بخواهند که راجع به آن صحبتی بکنیم، زیر بار نمی‌رویم و بحث را عوض

می‌کنیم که مبادا کسی در مال مان طمع کند. ولی نوبت سرمایه‌گذاری‌های خدایی و سود و منفعت‌های الهی که می‌رسد، قصه‌مان فرق می‌کند. اصلاً از طمعی که شیطان به ثواب‌های مان دارد، نمی‌ترسیم و حتی شاید خوش‌مان بیاید کمی هم به حرفش گوش بدهیم. بعد از کلی بالا و پایین کردن، حاضر می‌شویم یک کولرگازی وقف مسجدمان کنیم و سرمایه‌گذاری خیلی خیلی کوچکی برای آخرت‌مان انجام دهیم تا در آن دنیا از منفعتش استفاده کنیم، ولی شیطان از راه می‌رسد و زیر گوش‌مان می‌خواند که پول خرج کردن بدون شرط و شروط که نمی‌شود! زیرپای‌مان می‌نشیند تا حداقل چند تا شرط برای وقفی که کرده‌ایم بگذاریم. اول این‌که بین دو نماز، امام جماعت نام‌مان را بیاورد و از جمع فاتحه‌ای بگیرد برای اموات‌مان. دوم این‌که اسم‌مان را درشت و با خط زیبا جوری روی کولر بنویسند که هر کس وارد مسجد بشود، بفهمد که بانی این هوای خنک و مطبوع، چه کسی است. سوم این‌که در مراسم تجلیل از خادمان مسجد، ما را فراموش نکنند؛ بالاخره مردم باید با واقفان مسجد آشنا شوند. و بستگی به ما دارد که تا کجا با شیطان راه بیاییم. اگه به شیطان باشد اول اجر و ثواب‌مان را کامل از بین می‌برد و بعد پرونده گناه‌مان را هم سنگین می‌کند. به‌گونه‌ای که روز قیامت، پشیمان می‌شویم از سرمایه‌گذاری‌ای که با دست خودمان تبدیلیش کرده‌ایم به گناه.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرمایند:

فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي الرِّيَاءِ فَإِنَّهُ الشِّرْكُ بِاللَّهِ إِنَّ المُرَائِي يُدْعَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِأَرْبَعَةِ أَسْمَاءٍ  
يَا كَافِرُ يَا فَاجِرُ يَا غَادِرُ يَا خَائِسُ حَيْطَ عَمَلُكَ وَ بَطَلٌ أَجْرُكَ فَلَا خَلَاصَ لَكَ الْيَوْمَ  
فَالْتَمِسْ أَجْرَكَ مِمَّنْ كُنْتَ تَعْمَلُ لَهُ؛

بپرهیزید از خدا در ریا که ریا شرک به خداست. ریاکار را روز قیامت به چهار اسم می‌خوانند [و به او می‌گویند]: ای بدکار! ای کافر! ای حیله‌گر! ای زیان‌کار! عمل تو نابود و اجر تو باطل شد؛ امروز برای تو خلاصی نیست. اجر و مزدت را از آن کسی که عمل را برای او انجام دادی، بخواه.

(وسائل الشیعه، جلد ۱، صفحه ۱۱)

احكام ووقف



بر اساس فتاویٰ مقام معظم رهبری



در این قسمت برخی احکام مربوط به وقف را بر اساس فتاوی مقام معظم رهبری آورده ایم. به هر حال اگر بناست کاری را انجام دهیم و اسممان در میان واقفان ثبت شود، لازم است روش و احکام آن را بدانیم.

وقف نیز مثل خیلی دیگر از مسائل احکامی دارد که باید به آن عمل شود. همان خدایی که وقف را راهی برای بودن ما بعد از نبودنمان قرار داده برای این عمل احکامی بیان کرده که لازم است آن‌ها را مراعات کنیم. خدایی نکرده اگر این احکام رعایت نشوند وقفمان قبول نخواهد بود و بعد از نبودمان همان نبود خواهیم ماند!

### ■ تعریف وقف ■

نگه داشتن و حبس کردن عین مال و جلوگیری از انتقال آن به دیگری، به وسیله یکی از عقود؛ مانند بیع، صلح، هبه و قرار دادن منافع آن در جهتی که واقف آن را مشخص کرده است.

### ■ اقسام وقف ■

۱. **وقف خاص:** استفاده کنندگان از موقوفه، اشخاص، اقشار یا گروه خاصی اند؛ مثل وقف چیزی برای امام جماعت مسجد یا دانشجویان یک دانشگاه.

**۲. وقف عام:** استفاده کنندگان از آن مال، شخص یا گروه خاصی نیستند، بلکه وقف بر جهت و مصلحت عموم، مانند مساجد، پل‌ها و کاروان‌سراها، یا بر عنوان عام، مانند فقرا و ایتام است.

### ■ شرایط وقف ■

#### ۱. شرایط وقف کننده:

۱. بلوغ ۲. عقل ۳. قصد ۴. اختیار ۵. عدم حجر (ممنوعیت از تصرف در اموال).  
مسلمان بودن جزو شرایط واقف نیست.

اگر واقف اکراه بر وقف شده باشد، تا زمانی که اجازه او به آن ملحق نشود، وقف صحیح نیست. حتی با اجازه بعدی او هم، بنا بر احتیاط واجب، وقف صحیح نیست.

#### ۲. شرایط مال وقف شده:

۱. از اعیان باشد (نه از منافع یا دیون). ۲. ملک وقف کننده باشد. ۳. دارای منفعت حلال باشد (بر خلاف آلات قمار). ۴. منفعت آن، متعلق حق غیر که مانع از تصرف است، نباشد. بنابراین واقف نمی‌تواند ملکی را که رهن داده، وقف نماید. ۵. اصل مال، با استفاده از منافع آن، تمام نشده و به مقدار قابل توجهی باقی بماند. بنابراین

وقف خوردنی و آشامیدنی، یا گل برای بوییدن صحیح نیست. ۶. قابلیت ملکیت داشته باشد. بنابراین وقف شراب یا خوک صحیح نیست. ۷. قابل تحویل باشد. لذا وقف حیوان فراری که امکان تحویل آن نیست، صحیح نیست. ۸. برای منفعت حرام وقف نشده باشد. بنابراین وقف مکانی برای فروش شراب، یا برای استفاده فرق ضالّه باطل است.

مال موقوفه لازم نیست بالفعل قابلیت انتفاع داشته باشد، بلکه اگر در معرض انتفاع هم باشد کافی است؛ مانند وقف درختی که دو سال دیگر ثمر می‌دهد.

### ۳. شرایط افرادی که مال برای آنان وقف شده:

۱. معین باشند. بنابراین وقف چیزی برای یکی از دو مسجد یا یکی از دو نفر، صحیح نیست. ۲. اگر وقف خاص است، در هنگام وقف، حداقل یک نفر از موقوف‌علیهم موجود باشند. ۳. اگر وقف عام است، هنگام وقف، امکان موجود شدن موقوف‌علیهم باشد. ۴. بنابراین احتیاط واجب مرتد فطری یا کافر حربی نباشند.

### ۴. شرایط کلی وقف:

۱. انشاء وقف: در وقف نیت به تنهایی کافی نیست، بلکه انشاء وقف نیز لازم است.



فرقی نمی‌کند انشاء وقف با لفظ و صیغه خاصی باشد یا هر فعلی که بر این معنا دلالت کند؛ مثلاً واقف زمینی را به عنوان مسجد بسازد و در اختیار عموم گذارد و گروهی هم در آن نماز بخوانند یا پلی برای عابرین بسازد و بعضی هم با اجازه واقف از آن عبور کنند، در تحقق وقف کافی است. ۲. صیغه وقف لازم نیست عربی باشد و هر لفظی که دلالت بر انشاء وقف نماید، کافی است؛ مانند اینکه گفته شود «وقف»، یعنی وقف کردم یا «جعلته موقوفاً»، یعنی به عنوان موقوفه قرار دادم یا «هذا وقف»، یعنی این وقف است. ۳. وقف نباید موقت و زمان دار باشد. بلکه باید دائمی باشد. ۴. بنا بر احتیاط واجب وقف، باید قطعی باشد؛ یعنی معلق و مشروط به شرطی نباشد. ۵. وقف باید برای دیگران باشد، نه برای خود واقف. ۶. در وقف باید قبض صورت بگیرد و اذن واقف در قبض شرط است. ۷. در وقف عام و به خصوص در وقف خاص، بنا بر احتیاط مستحب قبول از طرف موقوف علیهم لازم است. در وقف عام قبول بر عهده حاکم یا نماینده اوست.

وقف قصد قربت لازم ندارد. ضمناً در وقف مسجد، علاوه بر شروط ذکر شده، قصد عنوان مسجد نیز نیاز است. بنابراین اگر مکانی صرفاً برای عبادت و نماز مسلمانان وقف شود، وقف صحیح است. لکن مسجد محسوب نمی‌شود.

واقف هنگام وقف می‌تواند شرط کند که هر زمان نیازمند شد، وقف به او برگردد

که در این صورت، اگر واقف بمیرد و قبل از مرگ محتاج شده باشد، به عنوان ارث محسوب می‌شود و اگر محتاج نبوده است، به حالت وقف باقی می‌ماند.

### ■ قبض دروقف ■

**۱. وقف خاص:** هر کدام از طبقه موجودی که وقف برای آنان صورت گرفته، اگر مال موقوف را تحویل بگیرد، وقف نسبت به این شخص تحقق یافته است و کسانی که تحویل نگرفته‌اند، وقف درمورد آنان تحقق نیافته است.

**۲. وقف عام:** الف) عناوین کلیه (فقراء، ایتام و...)؛ اگر یکی از این افراد (فقراء، ایتام و...) مال وقفی را قبض کند و مستولی بر عین مال شود، کافی است.

ب) جهات عامه (مسجد، پل و...)؛ در این حالت، قیّم و متولی تعیین شده توسط واقف (که در حین وقف تعیین کرده است) باید قبض کند و اگر این دو نبودند، حاکم شرع باید قبض نماید؛ هرچند در مورد مسجد و مقبره، با خواندن یک نماز یا دفن یک میت با اذن واقف قبض محقق می‌شود.

اگر واقف، ولی شرعی افرادی باشد که مال برای آنان وقف شده است، در این صورت صحت وقف متوقف به قبض جدیدی نیست. البته باید قصد قبض از جانب مؤلّی علیه را داشته باشد.

در قبض و تحویل گرفتن موقوفه، فوریت لازم نیست. اگر واقف قبل از قبض طرف مقابل بمیرد، وقف محقق نمی‌شود و مال موقوفه به عنوان ارث، به ورثه می‌رسد.

### ■ ناظر و متولی وقف ■

#### ۱. ناظر وقف:

گاهی واقف شخصی را به عنوان ناظر وقف تعیین می‌کند و اختیاراتی را به او واگذار می‌کند و حتی حق دخالت در کارهای متولی را در وقف‌نامه برای او قائل می‌شود. به هر حال طبق آنچه برای ناظر در وقف‌نامه تعیین شده، ناظر دارای اختیاراتی خواهد بود. ناظر بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند بعد از قبول نظارت، خودش را عزل کند؛ مانند متولی.

#### ۲. متولی وقف:

الف) برای واقف جایز است تولیت و نظارت وقف را برای خود قرار دهد یا به غیر واگذار نماید. این تولیت می‌تواند دائمی یا موقت باشد؛ همچنین به تنهایی یا با مشارکت دیگری انجام پذیرد.

ب) قرار دادن تولیت توسط واقف، باید هنگامی باشد که قرار است وقف انجام شود. در غیر این صورت حق تعیین تولیت پس از آن برای واقف وجود ندارد. البته عزل یا حق نصب تولیت در صورتی که واقف چنین حقی را در ضمن وقف کردن شرط کرده، اشکال ندارد.

مثال: اگر واقف هنگام وقف کردن گفته باشد: این زمین را برای حسینیه با تولیت علی وقف کردم، به شرط آنکه هر وقت بخواهم او را عزل کنم و شخص دیگری را بگمارم، در این حالت واقف حق تغییر متولی را دارد.

ج) واقف نمی‌تواند برای مسجد تولیت قرار دهد.

د) واقف می‌تواند چند تولیت قرار دهد.

ه) اگر واقف چیزی از منافع را برای متولی معین کند، همان اجرت عمل او خواهد بود؛ هر چند کمتر از اجرت‌المثل باشد و اگر چیزی برای تولیت به عنوان دستمزد قرار نداده باشد، متولی می‌تواند اجرت این کار را مطابق آنچه معمول و متعارف است، از منافع وقف برداشت کند.

در صورتی که متولی توسط واقف مشخص نشده باشد:

۱. وقف عام: حاکم شرع یا نماینده او متولی است.

## ۲. وقف خاص:

الف) امور مربوط به مصلحت وقف و مراعات نسل‌های بعدی است: حاکم شرع متولی است.

ب) امور مربوط به بهره‌ور کردن یا اصلاحات جزئی است: خود موقوف‌علیهم متولی‌اند.

### ■ وظایف و محدوده اختیارات متولی ■

۱. قبول کردن تولیت و سرپرستی وقف واجب نیست. اما اگر قبول کرد، بنابر احتیاط واجب نمی‌تواند خود را عزل کند و اگر خود را عزل کرد، بنابر احتیاط واجب باید به حاکم شرع مراجعه کند تا دوباره نصب شود. اما در عین حال در طول این مدت باز هم باید وظایفش را انجام دهد.

۲. اگر واقف وظیفه متولی را مشخص کرده باشد، طبق همان عمل می‌شود. اگر مطلق گذاشته و مشخص نکرده باشد، وظیفه‌اش همان چیزی است که متعارف است؛ از جمله اینکه تعمیر و اجاره وقف، گرفتن اجرت و تقسیم آن بین موقوف‌علیهم بر عهده اوست که همه این وظایف باید با مراعات مصلحت وقف انجام شود.

۳. متولی نمی‌تواند تولیت را به دیگری واگذار کند؛ حتی با عجز از تصدی امور. مگر واقف چنین اختیاری را هنگام وقف کردن به او داده باشد یا اینکه واگذاری کار به دیگری به نحو توکیل باشد؛ یعنی متولی کسی را وکیل کند تا کارها را انجام دهد؛ به شرط آنکه شرط عدم توکیل نشده باشد.

۴. متولی موقوفه حق ندارد کاری کند یا قانونی وضع کند که با مقتضای وقف در تعارض باشد. باید طبق آنچه واقف در هنگام وقف وضع کرده، عمل کند.

۵. اگر چند نفر متولی وقف باشند، هیچ‌کدام (حتی اکثریت آنان) حق ندارد دیگری را عزل کند. مگر واقف برای آنان در هنگام وقف چنین اختیاراتی را قرار داده باشد.

۶. متولی وقف باید مصالح وقف را در نظر بگیرد.

مثال: اگر متولی طبق وقف‌نامه مجاز بود موقوفه را اجاره دهد، واجب است در تعیین مبلغ اجاره رعایت مصلحت و منفعت وقف را بنماید. در نتیجه اگر در تخفیف مبلغ اجاره، به سبب اوضاع و احوال خاص مستأجر یا اهمیت کاری که وقف برای آن اجاره داده می‌شود، نفع و مصلحت وقف باشد، اشکال ندارد و الا جایز نیست.

## ■ نحوه اداره موقوفه توسط چند متولی ■

تولیت بیش از چند نفر به سه صورت متصور است:

۱. تولیت برای هر یک از آنان مستقلاً قرار داده شده است: در عمل و تصرف مستقل اند و بر هیچ یک از آنها لازم نیست در انجام امور وقف به دیگری مراجعه کنند و در این صورت، عمل شخصی که زودتر اقدام نموده، نافذ است. اگر یکی از آنها بمیرد یا از صلاحیت تولیت خارج شود، دیگری در تولیت وقف منفرد می شود.

۲. تولیت بین آنان به صورت اجتماع است: هیچ کدام نمی توانند به صورت مستقل عمل کنند. در این صورت اگر یکی از آنها بمیرد یا از صلاحیت تولیت خارج شود، بنا بر احتیاط واجب، حاکم شرع شخص دیگری را جای او قرار می دهد تا با فرد دیگری که باقی مانده، تولیت را به عهده گیرند.

۳. تولیت بعضی از امور به یک فرد و بعضی دیگر به دیگری واگذار شده است؛ مثلاً رسیدگی به وقف را به فردی و تقسیم منافع بین موقوف علیهم را به دیگری سپرده است: هر کدام در انجام وظایف تعیین شده مستقل می باشند.

اگر واقف تولیت بعضی از امور موقوفه را به شخصی واگذار نماید و بقیه امور را مهمل گذاشته و مشخص نکرده باشد، در این صورت وقف نسبت به آن امور بدون

متولی منصوب است که حکم آن در مسئله عدم تعیین متولی گذشت.

اگر چند نفر به عنوان متولی وقف نصب شده باشند، در صورتی که واقف، تولیت آنان را به طور مطلق بیان کرده و قرائنی بر استقلال بعضی از آنان در اداره امور وقف وجود ندارد (حتی به این نحو نباشد که واقف گفته باشد رأی اکثریت متولیان ملاک است) در این صورت هیچ یک از متولیان حتی اکثریت آنان حق ندارند بدون رضایت سایر متولیان اقدام به کاری کنند. بلکه باید از طریق مشورت با هم و اتخاذ رأی واحد (نه اکثریت) با هم عمل کنند و اگر بین آنان نزاعی واقع شود، واجب است به حاکم شرع مراجعه کنند تا حاکم آنان را الزام کند تا با هم به توافق برسند.

اگر برخی متولیان مدعی شوند که برخی دیگر از متولیان خائن اند، واجب است مسئله را به حاکم شرع ارجاع دهند و متولیان خائن را از کار برکنار کنند.

### ■ عزل و نصب متولی ■

همان طور که قبلاً اشاره شد، نصب متولی به عهده واقف است. اما عزل او در صورتی است که به مصلحت موقوفه عمل نکند یا خلاف وقف نامه عمل کند (یا به خاطر خیانت یا عدم توانایی)، که در این صورت حاکم شرع او را الزام به رعایت مصالح موقوفه می‌کند و در نهایت عزل می‌نماید. همچنین اگر واقف طبق وقف نامه شرایطی



را برای عزل متولی بیان نموده، آنچه در وقف نامه ذکر شده نیز می‌تواند موجب عزل وی باشد.

## ■ فروش و معامله مال وقف شده ■

### ۱. وقف عام:

الف) وقف بر جهات و مصالح عامه (مانند مساجد، مشاهد مشرفه، مدارس و...):  
**یک- فروش و معامله عین موقوفه:** مطلقاً جایز نیست؛ حتی اگر خراب شود و از بهره‌برداری ساقط گردد. این حکم در غیر مساجد و مشاهد مشرفه احتیاط واجب است. مثال: اگر شخصی زمین موقوفه‌ای را بدون مجوز شرعی بفروشد، معامله باطل است و فروشنده باید پولی را که از مشتری گرفته، برگرداند.

### دو-فروش و معامله آلات و فرش‌ها و سایر متعلقات:

اول: امکان استفاده از آن وجود دارد؛ مثل فرشی که برای زمین مسجد وقف شده، اما مسجد به فرش نیاز ندارد و به پرده‌ای برای گرم کردن مکان نیاز دارد: در این صورت باید فرش را به عنوان پرده استفاده کرد و نمی‌توان آن را فروخت.

دوم: علاوه بر عدم امکان انتفاع در آن محل، اگر موجب تلف شدن یا ضرر خوردن

به این آلات و متعلقات گردد:

اگر در محل مماثل دیگر (مثل مسجد دیگر) قابل استفاده است: در آنجا استفاده شود.

اگر در محل مماثل دیگر قابل استفاده نیست: در مصالح عام المنفعه استفاده شود.

سوم: امکان استفاده از آن در هیچ محلی، حتی مصالح عمومی مردم نباشد و تنها راه بهره‌مندی از آن، به فروش آن باشد، به شرط آنکه ماندن آن موجب تلف شدنش شود: با پول فروش آن در همان مسجد و اگر نشد در مسجد دیگر و الا در مصالح عامه مصرف شود.

### ■ چند استفتاء ■

**سؤال ۱:** شخصی مقداری آهن و لوازم جوشکاری را برای ساخت مسجد در مکانی هدیه کرده و بعد از پایان کار، مقداری از آنها زیاد آمده است. آیا می‌توان مقدار زیاد آمده را برای سایر هزینه‌های مسجد با فروش آن و استفاده از پول حاصل هزینه کرد؟  
**جواب:** فروش آن حرام است و باید برای تعمیر مساجد دیگر به کار رود و اگر

شخص هدیه‌دهنده، این اموال را از ملک خود خارج نساخته و فقط اجازه استفاده آن را در مسجد مذکور داده، مازاد آن برای خودش است و اختیار آن در دست خود او خواهد بود.

**سؤال ۲:** فردی مغازه خود را برای ایجاد صندوق قرض‌الحسنه وابسته به مسجد وقف کرده و از دنیا رفته و چندین سال، آن مکان بسته مانده و در معرض خرابی است. آیا می‌توان برای موارد دیگری استفاده کرد؟

**جواب:** اگر وقف محقق شده باشد، استفاده از آن محل باید (در صورت عدم امکان استفاده در آن مسجد) برای صندوق‌های قرض‌الحسنه مساجد دیگر باشد و اگر این هم ممکن نبود، در هر کار خیری استفاده شود (یعنی حق فروش نیست؛ مگر آنکه برای کارهای خیر دیگر نیز قابل استفاده نباشد).

**سؤال ۳:** منبری که برای مسجد وقف شده، ولی به علت ارتفاع زیاد آن عملاً قابل استفاده نیست، آیا تبدیل آن به منبر مناسب دیگری جایز است؟

**جواب:** اگر با شکل خاص فعلی در این مسجد یا مساجد دیگر قابل استفاده نیست، تغییر شکل آن برای اینکه قابل استفاده شود، اشکال ندارد.

نکته: آنچه برای جواز فروش موقوفه بیان شد، وقتی است که ارتفاع از آن منحصر

در فروش موقوفه و استفاده از پول فروش باشد. اما در مورد سؤال فوق با تغییر شکل منبر، می‌توان از آن استفاده نمود. لذا حق فروش وجود ندارد.

### ■ وقف بر عناوین عامه (فقراء، ایتام و...)

در این نوع وقف نیز، بیع مال موقوفه جایز نیست، مگر در موارد استثناء که در قسمت بعد، ذیل وقف خاص مطرح خواهد شد.

### ■ وقف خاص

در وقف خاص، فروش مال وقف شده جایز نیست، مگر در مواردی که استثناء است: الف) خرابی که غالباً و عادتاً به حالت قبلی بر نمی‌گردد و مال قابل انتفاع نباشد؛ مگر با فروش آن و استفاده از پول آن برای کسانی که مال برای آنان وقف شده: فروخته می‌شود و با رعایت "الاقرب فالاقرب" نسبت به عین موقوفه چیزی خریداری شود که قابل انتفاع برای موقوف علیهم باشد.

ب) در صورت وجود سه شرط: از انتفاع قابل توجه خارج شود، امید برگشتن به حالت اولیه وجود نداشته باشد و با فروش آن بتوان چیزی خرید که منفعت آن قابل توجه باشد. : فروخته می‌شود و الاقرب فالاقرب رعایت می‌شود.

ج) واقف شرط کرده باشد که اگر امری حادث شد، فروش موقوفه جایز باشد؛ مانند اینکه واقف شرط کند جواز فروش وقف را در صورت کم شدن منفعت موقوفه، یا زیاد شدن مخارج آن، یا وقوع اختلاف بین موقوف علیهم، یا به خاطر ضرورت و یا هر شرط دیگری نظیر این شروط: با تحقق آن امر، موقوفه فروخته می شود.

د) بین صاحبان وقف (موقوف علیهم) اختلاف شدیدی پیش آید که از تلف شدن اموال و جان‌ها ایمن نباشیم و راه حل مشکل، فقط فروش آن باشد: فروخته می شود و پول آن بین موقوف علیهم تقسیم می شود. البته اگر رفع مشکل با صرف پول فروش در خرید چیز دیگری و وقف آن چیز برای موقوف علیهم ممکن است، پول فروش موقوفه باید در آن صرف شود.

نکته: متولی ای که از جانب واقف تعیین شده، متولی فروش وقف در صورت فوق است و در نبود او، حاکم شرع یا کسی که منصوب از جانب اوست، متولی این امر است.

### ■ اجاره موقوفه ■

۱. اگر وقف منفعت باشد، اجاره آن جایز است؛ چه وقف خاص باشد و چه عام. همچنین چه بر عناوین عامه وقف شده باشد و چه جهات عامه؛ به دلیل اینکه مقصود، تحصیل منفعت از موقوفه و دادن آن به موقوف علیهم است؛ مانند

مزرعه‌ای که واقف برای اولاد یا فقرای سید وقف کرده است.

۲. اگر وقف انتفاع باشد، اجاره آن جایز نیست.

**وقف منفعت:** هدف در این وقف، به دست آوردن منفعت و مصرف کردن آن در اموری است که در وقف بیان شده است؛ مانند اینکه مغازه‌ای را وقف مسجد میکنند.

**وقف انتفاع:** هدف در این وقف، به دست آوردن منفعت برای امر دیگر نیست. بلکه استفاده از همان موقوفه مدّ نظر است؛ مانند خانهای که برای سکونت امام جماعت وقف شده است یا مدرسه‌های که برای تحصیل محصلین وقف شده است.

### ■ موقوفه نیازمند تعمیر ■

اگر موقوفه برای بقاء و استفاده از آن نیاز به تعمیر داشته باشد:

۱. واقف برای موقوفه هزینه‌ای قرار داده است که صرف آن شود؛ باید همان را مصرف کرد.

۲. واقف هزینه‌ای قرار نداده است؛ بنابر احتیاط واجب از منافع موقوفه برای تعمیر آن استفاده می‌شود.

۳. چیزی که صرف تعمیر شود، وجود ندارد؛ برای متولی جایز است قرض کردن با قصد اینکه آن قرض را از منافع موقوفه بپردازد؛ و یا با مال خود، موقوفه را تعمیر کند با قصد اینکه از منافع موقوفه، استیفاء کند. اگر قصد ادای قرض یا استیفاء از منافع موقوفه را نداشته باشد، بعد از آن نمی‌تواند از منافع موقوفه بردارد.

در صورتی که بقای موقوفه متوقف بر فروش بعضی از وقف است، فروش آن بعض جایز است.

در صورت خرابی قسمتی از وقف، به‌گونه‌ای که مجوز بیع پیدا شود و قسمت دیگر هم برای تحصیل منفعت نیاز به تعمیر داشته باشد، باید به ترتیب زیر عمل کرد: الف) با فروش قسمت خراب می‌توان موقوفه مشابه آن را خرید؛ این خود دو حالت دارد:

یک- از منافع قسمت محتاج به تعمیر، امکان تعمیرش هست : بنابر احتیاط واجب پول فروش را باید صرف خرید موقوفه مشابه کرد و از منافع صرف تعمیر شود.  
دو- امکان تعمیر با منافع قسمت مزبور نیست : پول فروش فقط می‌توان صرف تعمیر لازم (برای تحصیل منفعت، نه تعمیر برای بهتر شدن و زیاد شدن منفعت) کرد.

ب) با فروش آن نمی‌توان موقوفه مشابه خرید؛ پول آن صرف تعمیر بقیه موقوفه می‌شود؛ چه تعمیر برای حصول منفعت باشد (تعمیر لازم) و چه برای زیاد شدن منفعت.

### ■ تغییر وقف ■

تغییر وقف، حتی توسط واقف هم جایز نیست؛ برای مثال، نمی‌توان مکانی را که به عنوان حسینیه وقف شده است، به مسجد تبدیل کرد. البته اگر وقف منفعت باشد، در صورتی که با این عنوان فعلی اش منفعتی ندارد یا منفعت آن بسیار اندک بوده، جایز است به عنوان دیگری که دارای منفعت است، تبدیل شود.

### ■ اثبات وقف بودن ■

صرف وجود وقف نامه اثبات کننده وقف بودن چیزی نیست. بلکه وقف به یکی از طرق زیر ثابت می‌شود:

۱. کسانی که مال وقفی در دست‌شان است، اعتراف به وقف بودن آن نمایند و همچنین ورثه او بعد از مرگش اعتراف کنند.
۲. قبلاً کسانی که مال در دست‌شان بوده با آن رفتار وقف را می‌کرده‌اند.



۳. دو نفر عادل گواهی به وقفیت دهند.

۴. با قرائن و شواهدی مثل شهرت به وقفیت، علم و اطمینان حاصل شود که وقف است.

■ منبع: خامنه‌ای. آی آر

■ <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۲۷۸۳۶>

مسابقه



## خواننده گرامی

با سلام

مرکز فرهنگی پژوهشی اوقاف، مسابقه بزرگ «بودن یا نبودن» را برای شما تدارک دیده‌اند. لطفاً متن کتاب را با دقت مطالعه کرده و به سؤالات زیر پاسخ دهید.



۱. آیا مساله وقف و این که کسی مال یا زمینش را اختصاص می داد برای این که از منافعی برای کار خاصی استفاده شود، مخصوص به زمان و مناطق خاصی است؟

الف. بله، فقط در میان مسلمانان رواج داشته و دارد.

ب. بله، فقط در زمان مسلمانان و در میان ایرانیان رواج داشته و دارد.

ج. خیر، در زمان اسلام و قبل از آن و در مناطق مختلف رواج داشته و دارد.

۲. اولین واقف مسلمان چه کسی بود؟

الف. حضرت محمد ﷺ

ب. امیرالمومنین علیؑ

ج. حضرت زهراؑ

۳. اوج دوران شکوفایی و توسعه وقف در زمان کدام سلسله بود؟

الف. اشکانیان

ب. صفویه

ج. پهلوی

۴. در کدام یک از موارد زیر، وقف می‌تواند نقش به‌سزایی ایفا کند؟

الف. امور فرهنگی، بهداشتی، روانی، علمی

ب. امور رفاهی، مذهبی، اقتصادی

ج. هر دو مورد

۵. برای آشناسازی کودکان با وقف، از چه راه‌هایی می‌توان بهره گرفت؟

الف. صحبت کردن با او، انجام فعالیت‌های گروهی نیکوکارانه با هم‌سن و سالان.

ب. الگو بودن خودمان برای فرزندان و رفتن به موقوفات و گفتن از خیر و برکات آن.

ج. هر دو مورد.

۶. امیرالمومنین علیه السلام انگیزه‌شان را از وقف چه می‌فرمایند؟

الف. برای جلب رضایت خداوند [وقف کردم] تا به سبب آن مراد داخل بهشت برین فرماید و از آتش دورم دارد و آتش را از صورتم دور فرماید، در روزی که صورت‌هایی سفید و صورت‌هایی سیاه‌اند.

ب. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت گذاشتن و آزار باطل نکنید.

ج. هیچ‌کدام

۷. آیه‌ای که در قرآن کریم به مسأله منت گذاشتن هنگام صدقات اشاره می‌فرماید کدام گزینه است؟

الف. سوره یس آیه ۸۶

ب. سوره بقره آیه ۲۶۴

ج. سوره واقعه آیه ۶

۸. سه آفت مهم وقف ... و ... و ... است.

الف. منت - غیبت - تکبر

ب. منت - خودپسندی - ریا

ج. طغیان - خودپسندی - عجب

۹. این حدیث از کدام امام معصوم است «سَيِّئَةٌ تَشْوَعُكَ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ حَسَنَةٍ

تُعْجِبُكَ؟

الف. امام باقر علیه السلام

ب. امام صادق علیه السلام

ج. امیرالمومنین علی علیه السلام

۱۰. با توجه به حدیث بالا، امام معصوم می‌فرمایند... که باعث ناراحتی [و پشیمانی] تو شود، نزد خداوند از کار... که باعث خودپسندی تو شود، بهتر است.

الف. گناهی - خطایی

ب. خطایی - نیکی

ج. ثوابی - گناهی

۱۱. آفتی که اگر در انجام کارهای خیر وجود داشته باشد، باعث می‌شود که انسان را در روز قیامت به نام‌های حيله‌گرو زیان‌کار بخوانند، کدام آفت است؟

الف. منت

ب. خودپسندی

ج. ریا

۱۲. با توجه به حدیث پیامبر ﷺ در مورد ریا، پاسخی که خداوند روز قیامت به فرد ریاکار می‌دهد چیست؟

الف. عمل تو نابود و اجر تو باطل شد؛ اجر و مزدت را از آن کسی که عمل را برای او انجام دادی، بخواه.

ب. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با ریا کردن باطل نکنید.

ج. هیچ‌کدام

۱۳. یکی از آفات وقف، ریا است. پیامبر ﷺ در هشدار می‌دهد که نسبت به ریا داده‌اند، می‌فرماید: «پرهیزید از خدا در ریا زیرا که ریا ... است»؟

الف. شرک به خدا

ب. باعث از بین رفتن آبروی مؤمن

ج. هر دو مورد

۱۴. وقفی که استفاده‌کنندگان از آن، اشخاص یا گروه معینی باشند، وقف ... و وقفی که استفاده‌کنندگان از آن، شخص یا گروه معینی نباشند، وقف ... نام دارد.



الف. خاص. عام

ب. عام. خاص

ج. معین. متعین

۱۵. آیا لازم است که واقف، حتما مسلمان باشد؟

الف. خیر

ب. بله

ج. با توجه به نوع موقوفات، مساله متفاوت است

۱۶. شرایط واقف عبارتند از:

الف. بلوغ، عقل، قصد

ب. اختیار، عدم حجر

ج. هر دو مورد

۱۷. آیا می توان ملکی که در رهن شخص دیگری است، وقف نمود؟

الف. در صورتی که مقدار رهن کمتر از قیمت روز باشد، بله.

ب. در هر صورت، خیر.

ج. در هر صورت، بله.

۱۸. صیغهٔ وقف باید به چه زبانی خوانده شود؟

الف. به زبان فارسی

ب. به زبان عربی

ج. به هر زبانی خوانده شود صحیح است

۱۹. در وقف مسجد، علاوه بر شروط اصلی وقف، ... نیز نیاز است.

الف. قصد قربت

ب. قصد عنوان مسجد

ج. قصد گروه خاصی از نمازگزاران

۲۰. مشخص کردن تولیت برای وقف، چه زمانی باید باشد؟

الف. قبل از قصد برای انجام وقف

ب. هنگام انجام وقف

ج. بعد از انجام وقف

۲۱. فروش موقوفات عامه مانند مساجد و مشاهد مشرفه چه حکمی دارد؟

الف. مطلقاً جایز نیست؛ حتی اگر خراب شود و از بهره برداری ساقط گردد.

ب. جایز نیست مگر در صورتی که خراب شود و از بهره برداری ساقط گردد.

ج. جایز نیست مگر در صورتی که بتواند تبدیل به احسن بشود.

۲۲. در صورتی که موقوفه‌ای فرش‌های وقفی زاید بر نیاز داشته باشد، چه باید کرد؟

الف. اگر نیاز دیگری مانند پرده برای گرم شدن مسجد نیاز است، در آن مصرف شود.

ب. در هر صورت می‌توان آن‌ها را فروخت و صرف در مسائل دیگر کرد.

ج. می‌توان آن‌ها را به حسینیه و یا افراد فقیر صدقه داد.

۲۳. اگر مسجد موقوفاتی داشته باشد که تنها راه بهره‌مندی از آن‌ها، فروش‌شان

باشد و اگر باقی بمانند هم تلف می‌شوند، چه باید کرد؟

الف. باید به افراد فقیر و مستحق اهدا شوند.

ب. باید در هر صورت از آن‌ها نگه‌داری کرد حتی اگر تلف شوند.

ج. باید به فروش برسند و پول‌شان در همان مسجد صرف شود.

۲۴. اجاره موقوفه‌ای که وقف ... باشد جایز و وقف ... باشد، جایز نمی‌باشد.

الف. خاص. عام

ب. منفعت. انتفاع

ج. انتفاع. منفعت

۲۵. تفاوت وقف منفعت و انتفاع در چیست؟

الف. در وقف منفعت، هدف به دست آوردن سود و مصرف کردن آن در اموری است که در وقف بیان شده است و در وقف انتفاع، هدف به دست آوردن سود برای امر دیگری نیست. بلکه استفاده از همان موقوفه مد نظر است.

ب. در وقف انتفاع، هدف به دست آوردن سود و مصرف کردن آن در اموری است که در وقف بیان شده است و در وقف منفعت، هدف به دست آوردن سود برای امر دیگری نیست. بلکه استفاده از همان موقوفه مد نظر است.

ج. هیچ‌کدام

۲۶. اگر موقوفه برای بقاء و استفاده از آن نیاز به تعمیر داشته باشد، وظیفه چیست؟

الف. در هر صورت باید از منافع موقوفه استفاده شود.

ب. اگر واقف هزینه‌ای برای تعمیر قرار داده از همان هزینه و الا بنا بر احتیاط واجب از منافع موقوفه استفاده شود.

ج. هزینه‌های تعمیر باید توسط خود متولی تامین شود.

۲۷. در صورتی که بقای موقوفه متوقف بر فروش قسمتی از وقف است، فروش آن قسمت... است.

الف. حرام

ب. جایز

ج. مکروه

۲۸. تغییر موقوفهٔ حسینیّه به مسجد چه حکمی دارد؟

الف. فقط توسط واقف جایز است.

ب. در هر صورت جایز است.

ج. در هر صورت جایز نیست.

۲۹. تغییر وقفِ منفعت در چه صورتی جایز است؟

الف. در صورتی که منفعت فعلی اش بسیار کم باشد و بتوان به نحوی تغییرش داد که دارای منفعت بیشتر شود.

ب. در هیچ صورتی جایز نمی باشد.

ج. در صورت صلاح دید متولی وقف جایز است.

۳۰. آیا صرف وجود وقف نامه، می تواند وقف بودن چیزی را اثبات کند؟

الف. در صورتی که وقف نامه دارای نسخه های قدیمی باشد، بله.

ب. در صورتی که کسی با وقف نامه مخالف نکند، بله.

ج. خیر، صرف وجود وقف نامه اثبات کننده وقف بودن چیزی نیست.

## توضیحات شرکت در مسابقه کتابخوانی «بودن یا نبودن»

شرکت کننده محترم!

حضور گرم شما در مسابقه کتابخوانی «بودن یا نبودن» ارج نهاده و توجه شما را به نکات ذیل جلب می‌نماییم.

۱. شرکت برای عموم علاقه مندان **بالای ۱۲ سال** آزاد است.
۲. رونویسی از پاسخنامه دیگران شرعاً جایز نیست.
۳. با مطالعه دقیق کتاب، پاسخ پرسش‌های مطرح شده را در پاسخنامه درج نمایید.
۴. مشخصات خود را بطور کامل در محل کادر مربوطه در پاسخنامه با ذکر نام استان، شهر، آدرس دقیق پستی، کدپستی و شماره تماس ثابت و همراه درج نمایید، در غیر این صورت در قرعه کشی شرکت داده نخواهد شد.
۵. کپی پاسخنامه در صورت عدم تغییر در اندازه مورد قبول است.
۶. مهلت ارسال پاسخنامه حداکثر تا تاریخ **۱۳۹۴/۱۱/۱۲** می‌باشد.
۷. تاریخ اعلام نتایج **۱۳۹۴/۱۱/۲۲** می‌باشد. برندگان ویژه دو هفته بعد از اعلام نتایج فرصت دارند مشخصات درخواستی را اعلام نمایند، در غیر این صورت از لیست برندگان کنار گذاشته خواهند شد و هیچ مسئولیتی عهده دار برگزارکنندگان مسابقه نمی‌باشد.
۸. شرکت کنندگان می‌توانند از طریق ارسال پاسخنامه، به آدرس پستی:

**قم - صندوق پستی ۱۶۸ - ۳۷۱۴۵**

در مسابقه شرکت نمایند.

۹. قرعه کشی مسابقه همزمان با سالروز پیروزی انقلاب اسلامی ایران انجام و از طریق سایت معاونت فرهنگی و اجتماعی به نشانی [www.mfso.ir](http://www.mfso.ir) و نیز سایت مرکز فرهنگی پژوهشی معاونت فرهنگی و اجتماعی اوقاف به نشانی [www.mfpo.ir](http://www.mfpo.ir) اعلام خواهد شد.

## جوایز:

کمک هزینه حج عمره  
کمک هزینه سفر به عتبات عالیات  
کمک هزینه سفر به مشهد مقدس  
قلم هوشمند قرآنی  
و دهها جوایز ارزشمند دیگر...



# پاسخنامه

	الف	ب	ج	الف	ب	ج
• نام:	۱۶	○	○	۱	○	○
• نام خانوادگی:	۱۷	○	○	۲	○	○
• نام پدر:	۱۸	○	○	۳	○	○
• کد ملی:	۱۹	○	○	۴	○	○
• سن:	۲۰	○	○	۵	○	○
• تلفن همراه:	۲۱	○	○	۶	○	○
• تلفن ثابت ( به همراه کد ):	۲۲	○	○	۷	○	○
• کد پستی:	۲۳	○	○	۸	○	○
• نشانی دقیق پستی:	۲۴	○	○	۹	○	○
	۲۵	○	○	۱۰	○	○
	۲۶	○	○	۱۱	○	○
	۲۷	○	○	۱۲	○	○
	۲۸	○	○	۱۳	○	○
	۲۹	○	○	۱۴	○	○
	۳۰	○	○	۱۵	○	○

تذکره: در صورت عدم تکمیل مواردی که با علامت ( • ) مشخص شده اند، در قرعه کشی شرکت داده نخواهد شد.